

نوجوان زنداد

ماهنامه فرهنگی / اجتماعی
آذر ماه ۱۳۹۶
دوره جدید، (پیاپی ۵۰۷)
شماره ۱۵۲
قیمت ۲۵۰۰ تومان





ولادت حضرت رسول اکرم (ص) مبارک باد

۴ روبرو قال

۵ از چینه روبرو جماران

۶ شهید نوجوان

۸ آسمانها

۱۰ زیبایی های ایران

۱۲ دانستنی ها

۱۴ حرارت

۱۶ مهارت های زندگی

۱۸ ساختن ها

۱۹ دنیای مجازی

۲۰ مساجد ایران

۲۲ آموختنی ها

۲۴ داستان مصور

۲۸ روزی

۳۰ جدول

۳۱ معرفی کتاب

۳۳ بخوانیم و بخندیم

۳۳ مدافعین حرم

۳۵ روبرو آسمان

۳۶ دانشمند ایرانی

۳۸ سلامنی

۴۰ مشاغل

۴۲ موزه های ایران

۴۳ داستان دفاع

۴۴ زنده

۴۶ پیشگاه پروردگار

۴۸ بناهای تاریخی

۵۰ راجع به ایران



ماهنامه فرهنگی و اجتماعی

شماره ۱۵۲، آذر ماه ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

○○○

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
مدیر اجرایی: خدیجه اکبری

○○○

دبیر تحریریه: دکتر بهنام زنگی
طراحی گرافیک و صفحه آرایی: آتلیه مهر نوروز
طراحی جلد: هومن نادری
تصویرگر: بهناز زنگی
ناظر فنی چاپ: یوسف قدیانی
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۸۲۸۴۳۵
آدرس الکترونیکی:
Email: nojavan@shahedmag.com
صندوق پستی: تهران ۱۹۳/۱۵۷۱۵

ناشر: انتشارات شاهد

تهران - خیابان طالقانی خیابان ملک الشعراء
بهار شمالی شماره ۵
تلفن: ۸۸۳۰۸۳۴۸

○○○

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر
شاهد نوجوان برای نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ سال
منتشر می شود. مجله در تلخیص و ویرایش
مطالب رسیده آزاد است. مطالب رسیده
بازگردانده نمی شود. نقل مطالب مجله با ذکر
ماخذ مجاز است

شب یلدا

فرهنگ ارزشمند ما ایرانی ها پر از روزها و شب های خوب است. روزها و شب هایی که هر کدام بهانه ای برای مهربانی و دوستی مردم با یکدیگراند.

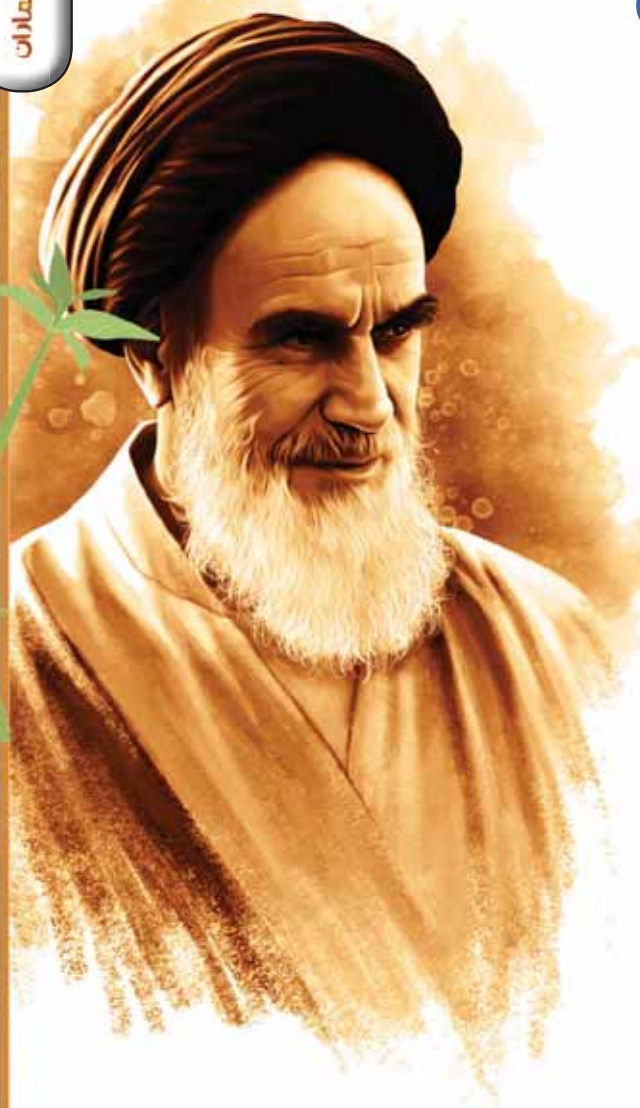
ایرانی ها طولانی ترین شب سال را به فرصتی برای شب نشینی و دیدار با بزرگترها تبدیل کرده اند. شاید این شب زیبا بیش از همه برای کودکان و نوجوانان جذاب باشد، چرا که شب یلدا شب قصه گویی مادر بزرگ ها، شعر خوانی پدر بزرگ ها و میهمانی ست و شب نشینی صمیمانه فامیلی بهترین فرصت برای نوجوانان است تا از طریق حضور در جمع بزرگترها، با جهان آنها، با سنت ها، روش هایی که باعث پیوند اعضای فامیل و جاری شدن مهر و محبت بین آنها می شود، آشنا شوند. حتماً در این شب ها خاطره هایی از دوره می های کنار کرسی و قصه های مادر بزرگ ها خواهید شنید که با گذشت سال های سال، هنوز از شیرین ترین خاطره های پدر و مادرهای ما محسوب می شوند.

شب یلدا می تواند جمع های دوستانه ما را با هم سن و سالانمان گرم تر کند و فاصله های ناشی از شرایط زندگی را از بین ببرد. دوره می های فامیلی، بگو بخندها، شنیدن خاطره ها و روایت های بزرگترها، در کنار پذیرایی های زیبای شب یلدا و میوه و خوراکی ها و تنقلات خوشمزه این شب، جشن شاد و مهربانانه ای را در آغاز زمستان رقم می زند و موجب می شود که درازترین شب سال را به یکی از خوب ترین اوقات زندگی مان تبدیل کنیم.

شب یلدا فرصت خوبی برای تکریم و احترام به بزرگترها، آشنایی با دوستان و فامیل، پیدا کردن دوستان جدید و تازه کردن دیدارهاست.

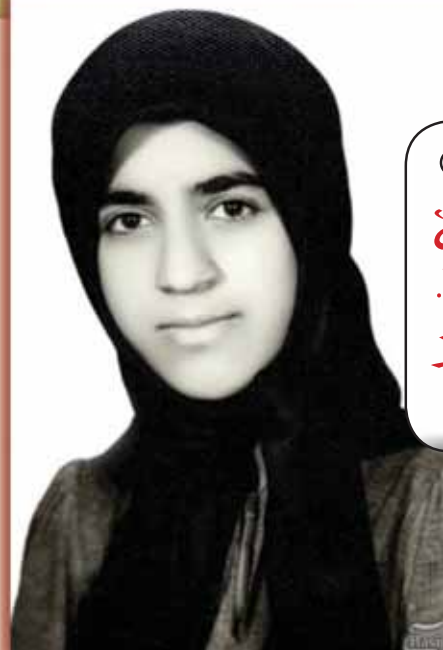
سردبیر

ره‌ی از وابستگی



باید کوشش در راه علم و به‌دست آوردن تخصص در رشته‌های مختلف، اساس فعالیت جوانان عزیز ما باشد که نیازمندی‌های میهن به‌دست خود آنها برآورده شده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود. مع‌الوصف در دوران‌های گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیزی وابسته کنند و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آیید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید و از اتکا به بیگانگان پرهیزید و استقلال را در تمام ابعاد بیمه کنید و بدانید که خداوند متعال با شماست.

منبع: جوانان از دیدگاه امام خمینی (ره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۷۸



زندگی شهید نوجوان سیده طاهره هاشمی

تلاش و تکاپوی ترک زمین بود تا به پروردگارش ملحق شود. سرانجام در بهمن سال ۱۳۶۰ در چهارده سالگی اش این دیدار محقق شد. در روز ششم بهمن، گروهک‌های ضد انقلاب شهر آمل را اشغال کردند و با نیروهای مردمی و بسیج درگیر شدند. از شب تا صبح درگیری شدیدی در شهر اتفاق افتاده بود و سیده طاهره نیز در این میان با جمع‌آوری دارو و رساندن نان به مدافعان شهر به بسیجیان و پاسداران کمک می‌کرد. تا اینکه در غروب همان روز در حالی که به نیروهای مدافع شهر کمک می‌کرد مورد اصابت دو گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

درباره حجابش گفتیم. همکلاسی‌اش می‌گوید: لباس طاهره عبارت بود از یک روسری سرمه‌ای، یک ماتنوی معمولی، یک چادر مشکی ضخیم، یک کیف ساده و یک کفش کتانی خیلی معمولی. روزی که به آسمان پر کشید، برای کمک به رزمندگان تلاش می‌کرد و تحرکش زیاد بود، با این حال با یک گیره چادرش را به روسری‌اش محکم بست تا از سرش نیفتد. وقتی پیکرش را به منزل آوردند، هنوز چادرش محکم به روسری‌اش بسته بود.

خطاب به دوست رزمنده

انشایی از این بانوی شهیده می‌خوانیم که به پیشنهاد معلم باید خطاب به یک دوست نوشته می‌شد. انشای شهیده سیده طاهره هاشمی در طرحی ابتکاری در قالب نامه‌ای به یک دوست امدادگر و رزمنده فرضی نگاشته شده است. او در این نامه پیامی را نیز خطاب به رئیس جمهور وقت ایالات متحده گوشزد کرده است:

شهید سیده طاهره هاشمی در سال ۱۳۴۶ در روستایی به نام شهید آباد در شهرستان آمل چشم به جهان فانی گشود. دوران کودکی‌اش با قرآن و نهج‌البلاغه عجین شد و روحش جلا یافت. سیده طاهره از لحظه‌ای که سواد آموخت، همیشه در حال مطالعه و اندیشه بود و وسعت تفکر و درکش بیشتر از سنش به چشم می‌خورد؛ تا جایی که مدرسه علاوه بر محل درس خواندن، برایش محل فعالیت‌های سیاسی و مذهبی هم بود. زندگی پر از تحرکش، او را در صف راهپیمایی‌های قبل از انقلاب هدایت کرد و پس از انقلاب نیز در انجمن اسلامی و بسیج محله. در کنار آن، خطاطی، طراحی، گلدوزی و مقاله‌نویسی هم می‌کرد و برنامه‌های فرهنگی مدرسه را به‌خوبی اداره می‌کرد. او کارهایش را با نام «طاها» امضا می‌کرد و از ویژگی کارهای هنری و گرافیکی طاهره، قالب‌ها و محتوای انقلابی و سیاسی بود که در آنها به کار می‌بست. او به‌خوبی مفاهیم انقلابی و سیاسی را در آثارش به تصویر می‌کشید.

برای سیده طاهره، خصلت‌های زیبایی را نقل کرده‌اند از جمله؛ وقت‌شناسی، چهره خندان و شاداب، پر جنب و جوش بودن، آراستگی ظاهر، رفتار مودبانه و سادگی پوشش و مهم‌تر از همه مقید بودن به حجاب. او تنها دختر چادری مدرسه بود که در زمانی که هنوز خیلی‌ها حتی روسری هم سر نمی‌کردند، با مقنعه و چادر به مدرسه می‌رفت.

اما انگار، سیده طاهره زمینی نبود و روحش در

ملتی که برای هر قطعه از این میهن خون‌ها فدا کرد، دیگر سازش با نوکران آمریکا و شوروی این دشمنان اسلام را جایز نمی‌داند. می‌دانم که تو تا آخرین قطره خون خواهی جنگید، زیرا تو فرزند خلف کسانی هستی که در جهان همیشه بر ضد ستم می‌شوریدند و تو هم مانند آنها پیروز خواهی شد زیرا امامان، این بت‌شکن عصر گفت: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و در جای دیگر گفت: «ما مرد جنگیم»

آقای کارتر نباید ما را از جنگ بترساند. البته به یاری خداوند؛ زیرا این خداوند بود که آمریکا را در حمله نظامی به ایران در طبس نابود کرد؛ شن‌های بیابان این مأموران الهی چون ابابیل بر سرش ریخت و تمام آن تجهیزات را نابود کرد و این بار هم کید شیطان بر هم ریخت چون خداوند در قرآن فرمود «ان کید الشیطان کان ضعیفا» بلی حیلۀ شیطان ضعیف است زیرا در این زمان هم به یاری خدا و هوشیاری ملت و بیداری ارتش و جان‌برکشان سپاه و بسیج مانع رسیدن آمریکا به هدف شومش گردید.

من به تو خواهرم و برادرم که در سنگرید، پیام می‌دهم که خواهم آمد و انتقام خون‌های نابه‌حق ریخته را خواهم گرفت. نگرانی من و تو ای خواهرم این است که مبادا سازشی صورت گیرد و خون‌های شهیدان به هدر رود و نتوانیم ندای امام را به گوش جهانیان برسانیم که ندای امام همان ندای اسلام است.

اما می‌دانم که هرگز سازشی صورت نخواهد گرفت، زیرا تمام ارگان‌های مملکتی در دست ملت و نمایندگان ملت است و من و تو ای دوستم با هم به جنگ اسرائیل که فلسطین را اشغال کرده است، می‌رویم و از آن جا به ساداتها و شاه‌حسن‌ها و حسین‌ها و ملک‌خالد‌ها خواهیم گفت که به سراغتان خواهیم آمد و دوباره فلسفه شهادت را زنده خواهیم کرد و صف‌های طولانی برای شهادت تشکیل خواهیم داد و روزه خون خواهیم گرفت.

منابع:

والسلام

www.basij.ir

سیده طاهره هاشمی

www.harimeasmani.ir

www.shahidmahalle.blogfa.com

www.fatehan.ir

نامه‌ای می‌نویسم برای تو دوست در جنگم، ای دوست جان بر کفم، ای دوست شریفم.

نامه‌ای که شاید از آن کوه مشکلات که بر سرت فرود آمده است، بکاهد. هر چند که این نامه برایت سودی ندارد، برای تویی که در سنگر به مداوای مجروحان جنگ اعم از ایرانی و یا غیر ایرانی می‌پردازی.

من این نامه را در حقیقت برای دوستانم می‌بایست می‌نوشتم اما روزگار را چه دیدی باید نوشت برای تو که حتی یک لحظه شاید نتوانی به این نامه نظری بیافکنی، چون مجروحان در جلویت صف کشیده و رگبار مسلسل و توپ و نارنجک بر بالای سرت در پروازند.

ای کاش می‌توانستم با تو به جبهه آیم و مسلسل‌ها را در آغوش گیرم، اما می‌دانم که چه خواهی گفت، بله من سنگر دیگری دارم و سنگرم را همچون تو حفظ خواهم کرد، همچون تو که با وسایل اولیه بسیار کم و غذای اندک در خط مقدم جبهه‌ای. شاید بر من عیب‌گیری که چرا به آگاهی دوستان و همشهریانم نمی‌پردازم. می‌دانم اما آگاهی دادن به کدامین مردم؟ به مردم جان بر کف شهرم! نه، می‌دانم که نمی‌گویی! زیرا باید به اشخاصی آگاهی داد که چشم‌ها را بسته و گوش‌ها را پنبه نموده و به شعار دادن در سر چهار راه‌ها مشغولند.

شعار مرگ بر آمریکایی که معنی آن سازش با آمریکاست! می‌گویند که باید در این جنگ، حق با باطل سازش کند؛ باید میانجی‌گری را پذیرفت و ملتی را که بیست سال زیر ستم بعثیان بود تنها گذاشت.

آنها با شایعه‌سازی می‌خواهند مردم را گول بزنند، اما قرآن دستور داد برای شایعه‌سازان قتل و اسیری و لعنت است. می‌دانم که تو تنها برای ملت ایران نمی‌جنگی بلکه برای ملت عراق هم می‌جنگی و ملت جان بر کف و شهید داده ما و عراق پشتیبان تو هستند. اگر تو شهید بشوی صدها نفر بعد از تو می‌آیند و سنگرت را حفظ





مرحمت بالازاده؛

شهید ۱۱ ساله‌ای که حکم جهادش را از دستان مقام معظم رهبری گرفت

**پدر شهید بالازاده از حکم جهاد فرزندش می‌گوید؛
پسرم هیچ چیز نگفت و فقط گریه کرد ...**

سال کم شروع به فعالیت می‌کند.

شهید بالازاده آموزشهای نظامی، قرآن و عقیدتی را در همین پایگاه گذرانده و با شور و حال عجیبی به پاسداری از آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌پردازد و در پایگاه مقاومت مسوولیت تبلیغات را عهده دار شده و با سخنان معصومانه و پاک خویش، پیام امام خمینی(ره) را به دوستان می‌رساند و آنها را با فعالیت‌های فرهنگی فوق العاده موثر خود جهت اعزام به جبهه تشویق می‌کرد.

شهید بالازاده با سن پایین و جثه کوچک، وارد بسیج شده و در کنار بزرگ‌ترها مثل بزرگ‌ترها رفتار می‌کند، شناخت و آگاهی شهید بالازاده در کنار پاسداران و بسیجیان، تکمیل می‌شود و به بصیرت دست می‌یابد، بصیرتی که وظیفه او و هموطنانش را در قبال انقلاب و جنگ تحمیلی، در اولویت اول قرار می‌دهد.

شهید بالازاده نوجوان، جنگجوی خردسال کربلای ایران بود که با بسیاری از پیشروان انقلاب، همچون امام خمینی(ره)، ریاست جمهوری، نخست وزیر و ریاست مجلس دیدار کرده و بارها مورد تفقد و نوازش و تمجید آنها قرار گرفته بود، در

شهید شاخص دانش‌آموز، مرحمت بالازاده در هفدهم خردادماه ۱۳۴۹، در روستای «چای گرمی» یکی از روستاهای شهرستان گرمی از توابع انگوت در دامان سر سبز مغان و در یک خانواده متدین و محروم، دیده به جهان گشود، پدرش حضرتقلی و مادرش ختائی عظیمی نام داشت.

حضرتقلی در روستاهای اطراف دستفروشی می‌کرد و به‌دنبال رزق روزی حلال بود، وی مؤذن مسجد روستا بود، شهید بالازاده بزرگ‌تر که می‌شود، همراه پدر در مسجد حضور می‌یابد و پای منبر روحانی و درس قرآن می‌نشیند، شهید دوران کودکی را در دشت و کوه و دره‌ها و مناظر سر سبز روستا، با بچه‌های هم سن و سال خود گذرانده و سال ۵۶ در هفت سالگی پا به مدرسه عباسی انگوت نهاد و تا کلاس پنجم ابتدایی درس خواند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران و بسیج، در سال ۱۳۵۹ هنگام تشکیل نخستین هسته‌های مقاومت بسیج در این منطقه دور افتاده، با عده‌ای از نوجوانان و جوانان روستا، هماهنگ شده و پایگاه مقاومت بسیج ((امام موسی صدر)) را در روستا، راه اندازی کردند، شهید به همراه جمعی دیگر از جوانان پرشور و فعال انقلابی، در این پایگاه عضویت یافته و با وجود سن و

از جیش در آورده و بگوید من حکم جهادم را از آقا گرفته‌ام.

شهید بالازاده غیر از حضور در گردان‌های رزمی، برای مدتی در گردان تخریب حضور یافته، بر تجربیاتش می‌افزاید، بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، به دفعات در جبهه حضور می‌یابد و به روایت فرماندهان و همزمانش، در عملیات‌های والفجر ۲ از ناحیه پای چپ زخمی شده، در عملیات خیبر دچار موج‌گرفتگی می‌شود.

سال ۱۳۶۳ به همراه خانواده به اردبیل اسباب‌کشی کرده و در محله پناه‌آباد، خانه‌ای اجاره می‌کنند پس از این جابجایی، او در عملیات بدر شرکت می‌کند و ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ با اصابت تیر و ترکش به گلو و چشم، در چهارده سالگی به شهادت می‌رسد، پیکر مطهرش در اردبیل تشیع و در بهشت فاطمه به خاک سپرده می‌شود.

شهرستان گرمی مغان، مرحمت سخنگوی انقلاب و رزمندگان اسلام شده بود. امام جمعه شهر، قبل از خطبه‌های نماز جمعه، از شهید بالازاده می‌خواست که برای مردم سخنرانی کند و پیام عاشوراییان ایران را به جوانان و نوجوانان شهر برساند.

شهید مرحمت بالازاده، حکم جهادش را از دستان مقام معظم رهبری گرفت

سخنان شهید بالازاده دلنشین و جذاب و تأثیرگذار بود او با بیان شیرین و شیوای خود سخن می‌گفت و با فصاحت، پیام شهدای انقلاب اسلامی را بیان می‌کرد و مردم را آماده دفاع از دین و وطن خود می‌ساخت.

شهید بالازاده با موتوری که از طرف فرمانداری به او می‌دهند، مروج و مبلغی کوچک می‌شود، تا دور افتاده‌ترین مساجد و پایگاه‌های مقاومت می‌رود و پوستر، عکس و دستورات و فراخوان‌های بسیج را ابلاغ می‌کند، با شروع جنگ تحمیلی، برگ دیگری از زندگی وی ورق می‌خورد حضورش در کنار مسئولین سپاه و بسیج حال و هوای دیگری به برنامه‌ها می‌بخشد، به گونه‌ای که بر تعداد نیروهای داوطلب برای اعزام به مناطق جنگی افزوده می‌شود.

سال ۱۳۶۰، او یازده سال دارد و به مناطق عملیاتی و پشت خاکریزها فکر می‌کند، مراجعات او برای اعزام به جبهه به نتیجه نمی‌رسد و در این میان رو به رو شدن او با عوض محمدی، مسئول اعزام نیروی ستاد منطقه پنج آذربایجان شرقی، دیدنی و شنیدنی است. یکی بر حسب دستور و وظیفه می‌خواهد از اعزام افراد کم سن و سال جلوگیری نماید و دیگری بنا به وظیفه می‌خواهد ادای دین کند.

وی بارها و بارها از اردبیل و تبریز برگردانده می‌شود تا اینکه سال ۱۳۶۱ موفق می‌شود با وساطت آیت الله ملکوتی، امام جمعه وقت تبریز، به خواسته‌اش برسد، شهید بالازاده در نخستین اعزام در عملیات مسلم بن عقیل شرکت می‌کند پس از اولین اعزام، تسویه نمی‌کند تا راه بازگشت به جبهه کماکان باز باشد ولی مسئولین طبق وظیفه، بدنبال این هستند تا او را از حضور در خط مقدم بازدارند.

شهید بالازاده ناامید نمی‌شود و برای رسیدن به آرزویش، پیش مسئولین شهرستان و استان و مقام معظم رهبری می‌رود تا در زمان ریاست جمهوری ایشان، حکم جهاد را از دستان مبارکشان بگیرد، حکمی که بالاترین دستورهاست، این دستخط به شهید بالازاده بال و پر می‌دهد تا هر کس مانع اعزامش شد، آن را

تهیه مطلب: علی نورعلیپور

جزایر ایرانی

سرزمین پهناور ایران، هر طرفش زیبایی و تازگیست. در جنوبی‌ترین و شمالی‌ترین بخش‌های ایران، حتی در دو دریای پهناوری که ایران را میان خود نگه داشته‌اند، زیبایی‌ها و مکان‌های منحصر به فردی را می‌بینیم که در دنیا کم‌نظیر هستند. به جنوب ایران می‌رویم که جزیره‌های زیبایی را همچون نگین‌های ارزشمندی در خود حفظ می‌کند. جزیره‌های مسکونی و غیرمسکونی. از غیرمسکونی‌ها می‌توان تهمادون، سه‌دندون، شیدور، مطاف، مولیات، میر مهنه، نار و نخیلو را نام برد. آنچه اینجا معرفی می‌شود برخی جزایر مسکونی جنوب ایران و خلیج فارس شامل جزایر مینو، هنگام، هندورابی و لاوان می‌باشند.



جزیره مینو: در استان خوزستان قرار دارد و بین آبادان و خرمشهر واقع شده است. در این جزیره، شهر کوچکی به نام مینوشهر قرار گرفته و محل تفریح اهالی آبادان و خرمشهر است. بسیاری از ساکنان مینو، اعراب هستند و زبان غالب آنجا هم عربی است. کشاورزی و پرورش دام در این جزیره رایج است. سراسر جزیره هم از نخلستان پوشیده شده و پرندگان زیادی به آنجا مهاجرت می‌کنند. طبیعت بکر و نیزارهای مینو هم محل زندگی حیوانات وحشی زیادی است.



جزیره هنگام: از جزایر خلیج فارس است که در جنوب جزیره قشم واقع شده است و معادن نمک و خاک و سرب دارد. مرکز این جزیره روستایی به نام «ماشی» یا همان هنگام جدید است و دو روستای دیگر هم «هنگام غیل» و «هنگام قدیم» هستند. فعالیت اقتصادی مردم جزیره هنگام، ماهیگیری است و پرورش ماهی و میگو از فعالیت‌های آبی‌پروری این جزیره است. در حال حاضر هم این جزیره محلی برای گردشگران است. از نقاط دیدنی جزیره، تاسیسات بندری انگلیسی‌هاست. از دیگر دیدنی‌های آن، دسته‌های دلفین اطراف جزیره است. شنا، غواصی، تماشای لاک‌پشت‌های دریایی، سواحل صخره‌ای و شنی از جاذبه‌های دیگر این جزیره هستند.



جزیره هندرابی: از جزایر خلیج فارس و از توابع استان هرمزگان است که بین دو جزیره کیش و لاوان قرار گرفته است. هندرابی، جزیره‌ای ساکت و آرام است با ساحلی زیبا، شنی و تخته‌سنگ‌های رویایی. فعالیت مردم این جزیره که تعدادشان خیلی هم کم است، غواصی و صید است. محیط زیست این جزیره، شامل انواع پرندگان کوچک، پرندگان مهاجر و انواع کمی از خزندگان و موش‌های صحرایی است. اما بازدید از لاک‌پشت‌های دریایی که از اواسط اسفند تا نیمه خرداد برای تخم‌گذاری به ساحل جزیره می‌آیند بسیار هیجان‌انگیز است.



جزیره لاوان: پس از قشم و کیش، بزرگ‌ترین جزیره ایران در خلیج فارس است؛ با آب و هوای گرم و مرطوب که گاهی در تابستان به پنجاه درجه هم می‌رسد. در حال حاضر، صنایع جزیره منحصر به تأسیسات نفتی با نام «مجتمع پالایشی لاوان» است. یکی از شگفتی‌های این جزیره وجود کندوهای عسل در کنار تأسیسات نفتی و مخازن آنها است که عسل آنها به رنگ سبز تیره است و بوی نفت می‌دهد، اما طعم آن مشابه عسل‌های معمولی است. اهالی جزیره در فصل معینی از سال به صید مروارید می‌پردازند و تنها کالای صادراتی جزیره، مروارید آن است.

تهیه‌کننده: فریبرز امینی

منبع:

سیری در ایران www.seeiran.ir

دانشنامه رشد www.daneshnameh.roshd.ir

www.hamgardi.com

www.beinabein.com

www.hellokish.com

دانشنی‌های

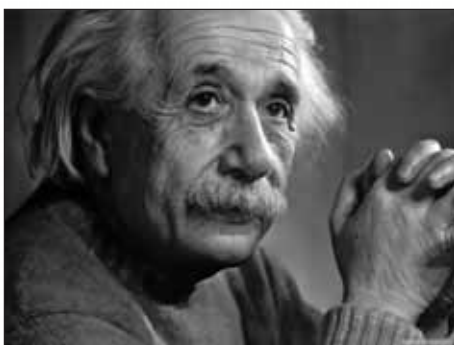
علمی

کوتاه و جالب

تهیه‌کننده: بخش کودک و نوجوان تبیان



- پروانه‌ها با پای خود مزه را احساس می‌کنند.
- شتر در هنگام تشنگی می‌تواند ۹۵ لیتر آب را در کمتر از ۳ دقیقه بنوشد.
- تعداد افرادی که سالانه از نیش زنبور می‌میرند بیشتر از کسانی است که سالانه از نیش مار می‌میرند.
- زنبور عسل دو معده دارد: یکی برای انبار کردن عسل و یکی برای غذا.
- سریع‌ترین عضله بدن انسان زبان است.
- طول قد هر انسان سالم برابر ۸ وجب دست خود اوست.
- طول رگ‌های بدن انسان ۵۶۰ هزار کیلومتر است.
- میزان انرژی که خورشید در یک ثانیه تولید می‌کند؛ برای تولید برق مورد نیاز تمام کشورهای جهان در مدت یک میلیون سال کافی است.
- خنده آسانتر از اخم کردن است؛ برای خندیدن انسان از ۱۷ عضله صورت و گردن استفاده می‌کند در حالی که برای اخم کردن از ۴۰ عضله.
- خرس‌ها موجوداتی چپ دست هستند.
- مورچه به هنگام مسموم شدن همیشه روی پهلوی راست می‌افتد.
- در فصل پائیز ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار برگ درخت بلوط می‌ریزد.
- مغز انسان بیش از سایر اعضای بدن کار می‌کند و بیش از ۲۰٪ از انرژی بدن را مصرف می‌کند.
- هر یک لیتر بنزین معادل ۲۳/۵ تن گیاهان مدفون شده در قرن‌ها پیش است.
- متوسط وزن مردان در کره زمین بیش از وزن زنان است.
- نیاز مردان به صحبت کردن در هر روز دوازده هزار واژه، و نیاز زنان ۲۳ هزار واژه است.
- اگر تکثیر باکتری تا ۲۴ ساعت ادامه یابد، توده ۲ تنی از یک باکتری بوجود می‌آید.
- وسعت و عرض کهکشان راه شیری حدود ۷۰ هزار سال نوری است.
- سرعت گردباد گاهی به ۳۰۰ تا ۴۵۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد.
- حدود ۷ هزار نوع برنج مختلف در دنیا وجود دارد.
- یک میلیون کره به اندازه زمین در خورشید جای می‌گیرد.
- زنبورها از بوی عرق بدشان می‌آید و به کسی که به نوعی بدنش بو دهد یا عطر و ادکلن زده باشد حمله می‌کند.
- از بین رنگ‌ها رنگ سفید برای زنبور عسل آرامش دهنده و رنگ قهوه‌ای ناراحت کننده است.
- انسان با خوردن ۲۰ نیش از زنبور عسل در آن واحد خواهد مرد.
- از آنجا که زنبور عسل بی‌نظمی را دوست ندارد، اگر جلوی کندوی آنها بایستید و مانع رفت و آمد آنها شوید به شما حمله خواهند کرد.
- نور خورشید فقط تا عمق ۴۰۰ متری آب دریا نفوذ می‌کند.



- سختی آب مشابه سختی بتن است.
- رعد و برقی به طول $1/6$ کیلومتر دارای الکتریسیته کافی برای روشن کردن یک میلیون لامپ است.
- هنگام صحبت برای بیان هر کلمه ۷۲ ماهیچه به کار گرفته می‌شود.
- لایه پوستی که آرنج را پوشانده است هر ۱۰ روز یکبار عوض می‌شود.
- خون میگوها آبی رنگ است، عنکبوت‌ها خونی روشن و شفاف دارند.
- ۸۵٪ گیاهان در اقیانوس‌ها رشد می‌کنند.
- تنها چیزی که در اسید حل نمی‌شود الماس است و فقط خیلی زیاد آن را از بین می‌برد.
- زرافه تازه متولد شده ۲ متر قد دارد.
- مغز فیزیكدان نابغه، آلبرت اینشتین ۱۵ درصد از حجم مغز انسان عادی بزرگتر بود.
- مارها گوش ندارند و با زبان می‌شنوند، زیرا زبان آنها به امواج صوتی بسیار حساس است.
- نوعی ماهی وجود دارد که با کمک باله‌هایش به سطح می‌آید و $1/5$ دقیقه در هوا پرواز می‌کند و به شکار طعمه خود می‌پردازد.
- خرس نوزاد ۶۰۰ بار از مادر خود کوچکتر است.
- خرس کوالا هرگز آب نمی‌نوشد و آب مورد نیاز خود را با خوردن برگ گیاهان تامین می‌کند.
- کوه‌های آلپ در سال حدود یک سانتیمتر بلند می‌شوند.
- بیماری قند اولین عامل کوری در مردم جهان است.
- اگر در یک سال هیچ یک از نسل‌های یک جفت مگس نر و ماده از بین نروند، حجم مگس‌های متولد شده با حجم کره زمین برابر می‌شود.
- هر قفل شماره‌دار ممکن است یک میلیون رمز داشته باشد.
- یک قطره آب دارای یک صد میلیارد اتم است.
- برج کج پیزا ۲۹۳ پله و برج ایفل ۱۷۹۲ پله دارد.
- رشد کودک در بهار بیشتر است.
- چشم شتر برای محفوظ ماندن در برابر شن‌های صحرا ۳ پلک دارد.
- نخستین تقویم شمسی که شناخته شد تقویم مصریان است.
- کرم‌های ابریشم در ۵۶ روز ۸۶ هزار برابر وزن خود غذا می‌خورند.
- نوعی قورباغه وجود دارد که می‌تواند چندین ماه یخ بزند و دوباره به زندگی طبیعی بازگردد.
- پژوهش‌ها ثابت کرده است که پشه بیشتر به سراغ کودکان و افراد بور می‌رود.
- خون به دلیل وجود آهن سرخ است.
- بدن انسان روزی یک لیتر بزاق تولید می‌کند.
- دو سوم اطلاعات مغز از بینایی است.
- سرعت نور یک میلیون بار سریعتر از صوت است.
- چشم ماهی مرکب بزرگترین چشم نسبت به جثه است.
- به طور متوسط روزی ۱۷۰۰۰ بار پلک می‌زنیم.
- بدن ما ۵۰ هزار کیلومتر رشته عصبی دارد.

گفتار تلخ و گفتار شیرین

حکایتی از قابوسنامه

در روزگار قدیم مردم به خواب و تعبیرهای خواب‌ها بیشتر عقیده داشتند. از خواب‌های بد می‌ترسیدند و عقیده داشتند هر خوابی تعبیری دارد و خبری از آینده می‌دهد. این بود که پادشاهان نیز خواب‌گزاران و تعبیرگویان خاص خود را داشتند و همیشه تعبیر خواب‌های خوش و یا ترسناک خود را از آنها می‌پرسیدند. گاهی هم بنای برخی از کارهای خود را بر همان خواب می‌گذاشتند و کارهای عجیبی می‌کردند. بعضی از تعبیرگویان هم از این فرصت‌ها استفاده می‌کردند و برای رسیدن به مقاصد خود از این تعابیر استفاده می‌کردند.

هارون الرشید تعبیرگوی دوم را فراخواند و همان خواب را برای او هم شرح داد. خواب‌گزار گفت: «خواب خوبی است. تعبیرش این است که زندگانی خلیفه از تمام خویشان و نزدیکانش درازتر است و عمر خلیفه از همه بیشتر است.»

خلیفه گفت: «عجب تعبیر شیرینی است.» و دستور داد صد سکه طلا به او پاداش دهند.

بعد وزیرش را خواست و گفت: «بروید و از تعبیرگوی اولی هم دلجویی کنید و چیزی به او بدهید. تعبیر اولی هم همان بود اما گفتارش تلخ بود. هر دو یک چیز را گفتند اما اولی بد گفت و دومی خوب.»

منبع:

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب. نگارش مهدی آذریزدی. کتاب‌های شکوفه. ۱۳۹۵

هارون الرشید، خلیفه عباسی، هم بارها دیده بود که تعبیرگوها حرف‌های عجیبی می‌زنند و حرف‌های همه آنها مانند هم نیست. برای همین رسمش این بود که خوابی را برای چند نفر خواب‌گزار و تعبیرگو به‌طور جداگانه تعریف می‌کرد و اگر تعبیرهای آنها مانند هم بود، خواب را باور می‌کرد و اگر تعبیرها شباهتی نداشتند حرف هیچ‌یک را باور نمی‌کرد.

یک شب هارون الرشید خوابی دید و صبح دستور داد تا خواب‌گزاران حاضر شوند تا خواب خلیفه را تعبیر کنند. آن روز دو نفر از تعبیرگویان در حضور خلیفه حاضر شدند. هارون الرشید یکی از آنها را به‌حضور خواست و خواب خود را شرح داد. گفت:

اگر کور بودی چرا توی چاه خرم آباد نیفتادی؟

ضرب المثل

باز نویسی: فرزانه مختاری

هر دو پیش کدخدا رفتند. کدخدا پرسید: «چه شده؟»

مرد گفت: «کدخدا، من برای آبیاری رفته بودم که این مرد را در حال دزدی دیدم. یک کیسه گندم بر دوش گرفته بود و می‌رفت.»

دزد گفت: «کدخدا، این مرد دروغ می‌گوید. من یک آدم نابینا هستم؛ یک کیسه گندم خریدم که به خانه ببرم. راهم را گم کردم و نمی‌دانم چرا از اینجا سردر آوردم!»

کدخدا پرسید: «چرا سر و وضع تو کثیف و خاکی شده است؟»

گفتم که من نمی‌بینم... توی راه چند بار روی زمین افتادم.

کدخدا فکری کرد و گفت: «تو اگر راست می‌گویی که نابینایی الان نباید زنده باشی!»

چرا کدخدا؟

اگر نابینایی، چرا توی چاه‌های خرم‌آباد نیفتادی؟ خرم‌های گندم این آبادی کنار چاه است.

دزد گفت: «نشنیدم چه گفتی کدخدا.»

کدخدا گفت: «کور بودی، کور هم شدی؟ گفتم اگر کور بودی چرا توی چاه خرم‌آباد نیفتادی؟ چطور یک آدم نابینا از کنار آن همه چاه می‌رود و سالم هم می‌ماند؟!»

اگر کسی برای انجام کاری غلط و نادرست یا کاری که به سود اوست، خودش را بی‌خبر و نادان نشان دهد، این ضرب‌المثل حکایت حال او می‌شود.

منبع:

قصه ما مثل شد . محمد میرکیانی .
به نشر . ۱۳۸۵

شبی دزدی برای بردن گندم کیسه‌ای بر دوش گرفت و از خانه بیرون رفت. رفت و رفت تا به روستایی به نام خرم‌آباد رسید که تا به حال هم پایش به آنجا نرسیده بود. با خودش گفت: «بهترین جا، همین جاست! بهترین گندم‌ها هم در این آبادی است؛ چون کسی مرا نمی‌شناسد پس کیسه‌ام را پر می‌کنم و می‌روم.»

دزد به خرم‌های گندم نزدیک شد. زیر نور ماه نگاهی به آنها انداخت؛ کنار خرم‌ها چند چاه بود. دزد تعجب کرد که این چاه‌ها کنار خرم‌ها چکار می‌کنند اما هر چه فکر کرد عقلش به جایی نرسید. به هر حال کیسه‌اش را باز کرد و تندتند آن را از گندم پر کرد. بعد کیسه را به دوش گرفت و به راه افتاد؛ ولی هنوز چند قدمی نگذشته بود که صدایی شنید: «از جای تکان نخور ای دزد بی‌انصاف!»

دزد از ترس کیسه را روی زمین انداخت و یک‌دفعه مردی را دید که با چوب روبه‌روی او ایستاده. دزد گفت: «از سر راهم کنار برو، مرا ترساندی!»

مرد گفت: «ترسیدی؟ تو باید از خجالت بمیری! چرا آمده‌ای دزدی؟ گندم‌ها را کجا می‌بری؟»

دزد برای آنکه خودش را بی‌گناه جلوه دهد گفت: «چه حرف‌ها می‌زنی؟ من و دزدی؟ این گندم‌ها را چند روز پیش خریدم و به خانه می‌رفتم که راهم را گم کردم.»

چطور راحت را گم کرده‌ای، مگر بچه‌ای؟

نه، من کورم، آدم کور راهش را گم نمی‌کند؟

مرد دست دزد را محکم گرفت و گفت: «بیا برویم پیش کدخدا، آنجا معلوم می‌شود که تو راست می‌گویی یا من؟»



مدیریت زمان: گاهی «نه» می‌گوییم!

ترجمه: سمیرا عباسی

برای مدیریت بهتر زمانتان، گاهی هم نه بگویید!

درست است، واقعا برای تمرکز داشتن و در اختیار داشتن فرصت کافی برای انجام کارهای مهمتان، باید توانایی نه گفتن را هم داشته باشید. اگر کارهایتان را اولویت‌بندی کرده‌اید یا برای آنها برنامه زمانی مشخصی دارید، خیلی راحت و بدون رودربایستی باید بتوانید در برابر کارهایی که به شما واگذار می‌شود یا پیشنهادهای وسوسه‌انگیزی مانند بیرون رفتن و وقت‌گذراندن با دوستان مقاومت کنید. نه گفتن به معنای بی‌ادبی نیست و با جملاتی بسیار متین و مودبانه می‌توانید عدم تمایل به انجام کاری را در آن موقع خاص بیان کنید. اگر دوستان زنگ می‌زند و از شما می‌خواهد با او به بیرون بروید، و همزمان شما بر روی یکی از درس‌ها یا کارهای مهم تمرکز کرده‌اید، خیلی راحت به او بگویید: ببخشید، امروز کار مهمی دارم و نمی‌توانم تو را همراهی کنم. ممکن است دوستان بار نخست از شما ناراحت شود، اما وقتی اهمیت کار و برنامه‌تان را بفهمد، بهتر از این است که شما همیشه و بدون توجه به زندگیتان، او را همراهی کنید و همیشه هم از او دلخور باشید.

حتی می‌توانید برای این که دوستانتان در زمان‌های مهم شما، مداخله‌ای ایجاد نکنند، زمان مشخصی را برای بودن با آنها و یا حتی گفتگوهای تلفنی خود اعلام کنید. شاید این کار به نظر آنها خیلی خودخواهانه و یا حتی احمقانه برسد، اما در واقع شما به خودتان، زمانتان، برنامه‌تان و همچنین آنها احترام گذاشته‌اید و مودبانه با آنها برخورد کرده‌اید.

منبع:

نقاشی روی شیشه (ویترای) تهیه کننده: سمانه اکبری

ساختننها

ظرف بچسباند که از بیرون پیدا باشد یا زیر شیشه بگذارید که بتوانید با خمیر دورگیر، خطوط اصلی طرح را بکشید. سعی کنید میزان فشاری که به تیوپ خمیر وارد می کنید یکسان باشد تا خط شما صاف و یکدست شود. اجازه دهید چند ساعت بگذرد و دورگیر کاملاً خشک شود. حالا می توانید کار را با رنگ ها آغاز کنید. رنگ ها را با تینر رقیق کنید و سپس با استفاده از قلم مو فضاهای خالی بین خمیر دورگیر را با رنگ پر کنید. حواستان باشد رنگ آنقدر زیاد نباشد که جاری شود و کم هم نباشد که روی شیشه رنگ و رویی نداشته باشد. پس از خشک شدن هم، سطح کار را با اسپری براق کننده می پوشانیم.

منبع تصاویر: www.beytoote.com

وسایل لازم:

- شیشه
- قلم سرگرد
- رنگ ویترا
- خمیر دورگیر
- اسپری براق کننده

نکته: رنگ ویترا معمولاً پایه تینر است و بعد از خشک شدن، با شستشو پاک نمی شود و ثابت می ماند. شفاف است و قابلیت ترکیب با سایر رنگ های ویترا را دارد. برای شستن قلم مو هم از تینر استفاده می شود. برای رقیق کردن رنگ ها هم می توانید از تینر استفاده کنید.

تهیه یک ویترا کوچک و ساده بر روی ظرف یا شیشه

سطح شیشه یا ظرف را کاملاً پاک کنید. طرح را با مداد روی کاغذ پیاده کنید. طرح را داخل



همیشه آنلاین نباشیم

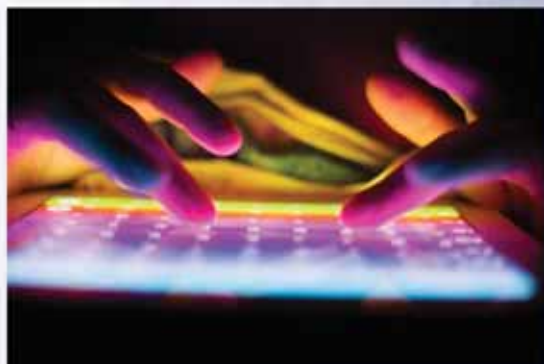
تهیه کننده: معصومه حسنی

زمان خود را مدیریت کنید

برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، زمان خود را مدیریت کنید. بسیاری از افراد، زمان زیادی را بدون هیچ دلیلی صرف این شبکه‌ها می‌کنند و از کارهای روزمره خود بازمی‌مانند. اما اگر مدیریت زمان داشته باشید می‌توانید به راحتی به همه کارهای خود رسیدگی کنید. مثلاً سعی کنید بیشتر از یک ساعت در این شبکه‌ها حضور نداشته باشید و حتی اگر دوستانان صحبت را به درازا کشانند، با یک عذرخواهی ساده از صحبت‌های بیهوده خارج شوید و به سایر کارهایتان برسید. گفتن «نه» در این موارد، نه تنها کار بدی نیست بلکه به شما کمک می‌کند برای زمان خود برنامه‌ریزی بهتری داشته باشید.

شبکه‌ها و وسایل ارتباطی جدید امروزه دنیا را به جای کوچکتری تبدیل کرده‌اند و شما برای ارتباط با یک فرد، دیگر لازم نیست مسافت زیادی را طی کنید و همانجایی که هستید با فشردن چند دکمه، می‌توانید هم صدا و هم تصویر دوست یا اقوام خود را بشنوید و ببینید. شبکه‌های اجتماعی که امروز در بین افراد بسیار محبوب شده‌اند می‌توانند علاوه بر این که ابزار مناسبی برای تبادل نظر، آشنایی با دنیای بزرگ‌تر و اظهارنظرها باشند، به همان اندازه هم به شما و زندگیتان آسیب برسانند. از جمله این آسیب‌ها مشکلات تحصیلی، عادت کردن به شبکه‌های اجتماعی، افسردگی و ناتوانی در مدیریت زمان است. بنابراین استفاده صحیح از این شبکه‌ها ضروری است و باید آموخته شود.

همیشه آنلاین نباشید



یکی از روش‌هایی که به استفاده بهتر از شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کند این است که گوشی خود را در حالت آنلاین نگه ندارید و بنابراین با دیدن هر پیامی سریع گوشی خود را نگاه نمی‌کنید. سعی کنید بیشتر زمان خود را برای سایر امور بگذارید.

حساب‌های کاربری خود را محدود کنید



نیازی نیست هر شبکه اجتماعی یا نرم‌افزار ارتباطی را که می‌بینید، بر روی گوشی یا تبلت خود نصب کنید. هر کدام را که به علاقتان نزدیک‌تر است را انتخاب کرده و فقط فعالیت خود را به آن محدود کنید.

مفید باشید

سعی کنید مطالب را با سرعت در شبکه‌های اجتماعی کپی نکنید و برای دیگران بفرستید. بهتر است خودتان عکاسی کنید، مطلب جمع‌آوری کنید و نظرات خوب خود را منعکس کنید. شبکه‌های اجتماعی جایی برای ارایه نظرات و استعدادهای شما هستند نه برای کپی کردن نظرات و عقاید دیگران. اینطوری شما در چشم دوستانتان یک کاربر حرفه‌ای به نظر می‌رسید.



حرفه‌ای باشید

سعی کنید علاوه بر یک شبکه اجتماعی، در انجمن‌های حرفه‌ای عضو شوید که به آینده شغلی و تحصیلی شما کمک می‌کنند. در این حالت می‌توانید از کاربران حرفه‌ای این انجمن‌ها هم راهنمایی و کمک بگیرید و تصمیم بهتری برای آینده شغلی و تحصیلی خود داشته باشید.

منبع: وبگاه پلیس فتا

www.cyberpolice.ir

زیبای با شکوه

آشنایی با مسجد شیخ زیاد

مسجد ایران

تهیه کننده: محمد امین نوری

بعضی مساجد به قدمتشان معروف هستند و بعضی دیگر به زیبایی و برخی مساجد هم به هر دو. تا به حال از مساجد بسیاری سخن گفتیم که ارزش تاریخی داشتند و زیبایی هم در آنها عجبین شده بود. این بار به مسجدی می‌رویم که مدت زیادی از ساخت آن نگذشته اما لقب سومین مسجد بزرگ دنیا را گرفته است. دو

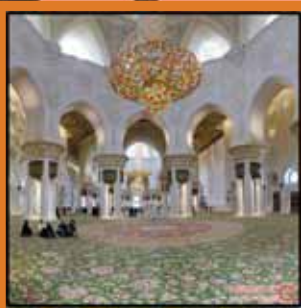
مسجد دیگر به ترتیب مسجدالحرام و مسجدالنبی هستند و نام این مسجد نیز مسجد شیخ‌زاید است که در شهر ابوظبی در کشور امارات واقع شده است. نام کامل آن مسجدالشیخ زاید بن سلطان آل نهیان است که نامش را از نخستین حاکم امارات گرفته و وقتی این شیخ در سال ۲۰۰۴ میلادی (۱۳ سال پیش) فوت کرد، او را در قسمت شمالی همین مسجد دفن کردند. البته افتتاح اصلی مسجد در سال ۲۰۰۷ میلادی (۱۰ سال پیش) انجام گرفت. شیخ زاید با هدف گردآوری تمام تنوع فرهنگ‌های موجود در جهان اسلام در کنار بهره‌گیری از ارزش‌های مدرن معماری و هنر دستور به تأسیس این مسجد بزرگ داده و درون آن هم کتابخانه‌ی نسبتاً خوبی با دسترسی به کتبی با قدمت ۲۰۰ ساله وجود دارد.

جالب است که بدانیم بنای مسجد در مکانی قرار دارد که هنگام ورود به ابوظبی نخستین مسجدی است که دیده می‌شود و در هنگام خروج نیز آخرین مسجدی است که از نظرها پنهان می‌شود.

مساحت این مسجد ۴۱۲ هزار و ۲۲ متر است و با این مساحت و بزرگی برای هر نماز می‌تواند تعداد ۴۰۹۶۰ نفر نمازگزار را در خود جای دهد. از دیگر جاذبه‌های مسجد، وجود دریاچه‌هایی است که در اطراف آن قرار دارند که به زیبایی آن افزوده‌اند. در بخش بیرونی مسجد هم حوض‌های آبی تعبیه شده که تصویر مسجد در آن منعکس می‌شود. نکته قابل ذکر دیگر در مورد این مسجد، بزرگی آن است که در جهان جایگاه دهم را به خودش اختصاص داده است. ارتفاع قبه آن به ۸۵ متر می‌رسد و وزن آن هم بیشتر از هزار تن است بنابراین قبه این مسجد هم بزرگ‌ترین قبه موجود در جهان است.

گنجینه‌های مسجد هم از شاهکارهای اساتید مراکشی است که با الیاف گیاهی ترکیب شده و بر روی دیوارهای آن آیات قرآن حک شده و گنبد اصلی هم با این آیات تزئین شده است. از جاذبه‌های دیگر مسجد، وجود چهار مناره در صحن خارجی مسجد است که ارتفاع هر یک از آنها ۱۰۶ متر است و به زیبایی آن افزوده است. باز هم جاذبه دیگر و آن هم فرش است که ۷۱۱۹ مترمربع مساحت دارد و از بزرگ‌ترین سجاده‌های جهان است که از شاهکارهای هنرمندی ایرانی است و توسط هنرمندان نیشابوری با پشم و پنبه و ابریشم بافته شده است. از جاذبه‌های دیگر این مسجد، بزرگترین لوستر جهان است که توسط شرکت‌های اروپایی برای مسجد ساخته شده است. این لوستر به طول ۱۵ متر و به وزن ۹ تن است که ۱۰ متر قطر دارد.

منبع: مرکز جامع الشیخ زاید الکبیر www.m.szgmc.ae / www.lastsecond.ir / www.shia-news.com



چگونه به خواندن

نماز اشتیاق پیدا کرده و بر تنبلی غلبه کنیم؟

خود فراهم سازند.

۴. بردن بچه‌ها از دوران کودکی به مسجد در اوقات منظم شرعی موجب می‌شود که آنان از همان اوان کودکی با عبادت به موقع و مسجد و امام جماعت انس و الفت پیدا بکنند و همواره به عادت نیکوی خواندن نماز در سر وقت و به گونه‌ای منظم پایبند باشند.

۵. از تشویق و تحسین استفاده کنید، تشویق معجزه می‌کند. اگر فرزند شما، در مسیر عبادت و اعمال مذهبی حرکتی کرد، او را تحسین کنید؛ البته باید توجه داشته باشید که تشویق در مسائل عبادت، همیشه حالت مزد و پاداش را به خود نگیرد - اگر چه که این امر در دوره کودکی چندان اشکالی ندارد، اما انجام اعمال عبادی در سن تکلیف برای دست یافتن به مزد و اجر مادی، درست نیست، البته این بدان معنا نیست که نباید افراد مکلف را تشویق نمود، بلکه مراد آن است که در انجام عبادت باید هدف کسب رضای الهی و دست یافتن به قرب الهی باشد.

پس بهتر است، تشویق‌های والدین اعم از مادی و معنوی (بوسیدن، نوازش، توجه، نگاه محبت آمیز و...) باشد و تشویق‌های مادی ابتدا به طور منظم و در برابر عبادت‌های به موقع و منظم فرزندان باشد و سپس به صورت نامنظم صورت پذیرد تا آنان همیشه و در برابر هر عبادتی که انجام می‌هند، انتظار دریافت پاداش از والدین خود را نداشته باشند.

منبع:

- کتاب چالش‌های والدین در رابطه با بی‌نظمی‌های کودکان و نوجوانان و شیوه‌های اصلاح آن / محسن ایمانی / انتشارات پرکاس

برخی از نوجوانان با رسیدن به سن تکلیف، ممکن است به مسائل دینی گاهی کمتر رغبت نشان دهند، در ذیل به راهکارهایی در برابر کاهلی نوجوانان به نماز می‌پردازیم که عبارتند از:

۱. تداوم رفتار والدین در رعایت نظم در امور دینی و انجام دادن عبادت‌ها (توجه به اوقات شرعی در برپایی نماز به موقع، خواندن نماز با کیفیت، روزه گرفتن در اوقات مشخص، توجه به حلال و حرام، نگاه پاک، سخن حق و به موقع و مانند اینها) عامل موثری در تثبیت آموزه‌های دینی مبتنی بر نظم در کودکان و نوجوانان است. بی‌توجهی مادر به نماز بدون داشتن عذر شرعی (دوران عادت ماهیانه) و یا بی‌توجهی پدر به نماز در خانه و در هنگام مسافرت، خود مانعی در راه تثبیت آموزه‌های دینی منظم در فرزندان است؛ زیرا کودک قدرت تجزیه و تحلیل این گونه مسائل را ندارد و ممکن است عذر شرعی مادر را حمل بر بی‌توجهی و بی‌قیدی مادر کند. اگر کودک در سنی است که می‌توان او را توجیه و مسأله را برایش تبیین کرد، اشکالی ندارد؛ اما در غیر این صورت، باید به این نکات و تاثیر آنها توجه داشت.

۲. فراهم کردن امکانات جذاب؛ چون سجاده‌ای زیبا، تسبیح، عطر، چادر و مقنعه (برای دختران)، قبله نما (برای پسران) و اموری مانند اینها و امکان وضوی راحت با آب گرم در زمستان در دستشویی تمیز با نور کافی و بدون وسایل اضافی، عامل موثری در تثبیت آموزه‌های عبادی و دینی در کودکان و نوجوانان است.

۳. الگوهای خوب و با دیانت می‌توانند سبب تثبیت آموزه‌های دینی در کودکان شوند؛ پس والدین باید از همان دوران کودکی، زمینه‌های مناسبی را برای ارائه و پذیرش الگوهای خوب برای فرزندان



کوله‌پشتی‌ها

دانش‌آموز باشد و نه بیشتر. مثلاً وزن آن برای دانش‌آموزان دبیرستانی می‌تواند حدود هفت کیلوگرم باشد. اگر کوله جیب‌های زیادی داشته باشد بهتر است چون وزن اشیای داخل آن، در جیب‌ها پخش می‌شود و فشار کمتری به کمر وارد می‌شود. کیف و کتاب و وسایل اضافی نباید درون کوله قرار داده شوند و وزنشان بیهوده افزایش پیدا نکند. کوله‌پشتی‌هایی که در ناحیه کمر بند دارند، فشار ناشی از سنگینی کوله را کاهش می‌دهند.

کوله‌پشتی را چگونه تنظیم کنیم؟

بندهای کوله‌پشتی باید طوری تنظیم شوند که کوله از آخرین مهره کمر، پایین‌تر نیامده و شانه‌ها را هم عقب نگه دارد. کوله‌پشتی نباید شانه‌ها را به جلو بکشد و

کوله‌پشتی‌ها از همراهان همیشگی دوران مدرسه هستند. این کیف‌ها در شکل‌ها، جنس‌ها و رنگ‌های مختلفی ساخته می‌شوند که بایستی هنگام خرید به این نکات دقت کرد تا سلامتی کمر و ستون فقرات خود را به خطر نیندازیم. کوله‌های مناسب خصوصیتی دارند که با در نظر گرفتن این خصوصیات و همچنین درست استفاده کردن از آنها، می‌توان از ناهنجاری‌های ستون فقرات جلوگیری کرد.

کوله‌پشتی‌های سبک

کوله‌پشتی باید چرمی یا برزنتی باشد، تغییر شکل ندهد، اندازه‌اش مناسب سن دانش‌آموز باشد و در حالت صاف قرار گرفتن باید حدود سه سانتیمتر از خط گودی کمر بالاتر باشد، بنابراین وزن کوله نباید زیاد باشد. وزن یک کوله‌پشتی با وسایل درون آن، باید حداکثر بین ده تا پانزده درصد وزن

پوست شانه‌ها را هم نباید قرمز کند.
دو بند کوله‌پشتی باید روی سینه قرار بگیرند
و بهتر است عرض بندها حداقل پنج سانتیمتر
باشند.



طرز راه رفتن با کوله‌پشتی

هنگام حمل کوله، شانه‌ها باید به طرف عقب
قرار گرفته باشند.
حداکثر زمان برای حمل کوله‌پشتی، سی دقیقه
است. اگر بیشتر از سی دقیقه باشد، وزن کوله
را باید کم کرد.
هنگام راه رفتن با کوله، بدن باید در حالت
صاف قرار بگیرد و از خم شدن به راست و چپ
جلوگیری کرد. ضمناً از خم کردن سر و بدن
به سمت جلو هم باید جلوگیری کرد.
بندهای کوله‌پشتی را نباید بر روی یک شانه
انداخت چون باعث مایل شدن بدن به طرف
بند شده و کم‌کم ستون فقرات به سمت
راست یا چپ منحرف می‌شود.



عوارض کوله‌پشتی‌های غیر استاندارد یا استفاده نادرست از آنها

- گودی کمر، شانه‌های نامتقارن، تمایل
شانه‌ها به طرف جلو
- کمردرد، انحنای ستون مهره‌ها و دردهای
گردن
- فشار بر ستون فقرات به دلیل حمل کیف با
یک دست یا با یک طرف شانه‌ها

منبع:

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان www.phc.mui.ac.ir

همراه بچه ها به سمت میدان اصلی شهر پرواز کردیم. در آسمان اونجا جمعیت زیادی از آدمایی که مثل ما بال داشتند رو دیدیم.





شهر شلوغ واقعا از بالا شگفت انگیزه!!!!...(صدای موسیقی بلندتر و بلندتر میشه..)





و حالا سفر ما سی نفر آغاز میشه... هنوزم گیجم... و کمی نگران از اینکه چه چیزی در انتظارمه!... جالب اینکه انگار همه راه رو بلدیم و باهم به یک سمت پرواز میکنیم!!!

گلوله‌های رنگی رنگی

معرفی ورزش پینت‌بال (رنگ‌اندازی)

- تا به حال شده در یک جنگ واقعی شرکت کنید بدون اینکه جانتان به خطر بیفتد؟ حتما همین کار را کرده‌اید، آنهم در کودکی و با تفنگ‌بازی! تفنگ‌های صدا دار، چراغ دار، ترقه‌ای، تفنگ‌های آب‌پاش. اصلاً بعضی وقت‌ها هم که دوست‌ها در دسترس نبودند، یک دشمن فرضی درست می‌کردیم و با او مبارزه می‌کردیم. اما الان که بزرگ‌تر شده‌اید، آیا باز هم به فکر همان هیجان و بازی هستید؟ اگر جوابتان بله است، ورزش گروهی پینت‌بال و هیجان آن را امتحان کنید.
- بریک: مانعی شبیه آجر
- سیلندر: مانع استوانه‌ای
- کیک: مانعی شبیه کیک با ارتفاع یک متر
- بیم: مانعی که به صورت خوابیده روی زمین قرار گرفته و ارتفاع آن ۷۵ سانتیمتر است
- زیپر: اگر مانعی کنار بیم باشد، به مجموع مانع و بیم یک زیپر می‌گویند. مثلاً یک بیم و یک کیک یا یک بیم و دوریتو.

وسایل پینت‌بال

از وسایل پینت‌بال باید به موارد زیر اشاره کرد:

- اسلحه: که پس از کشیدن ماشه، گلوله‌ای رنگی را به بیرون شلیک می‌کند.
 - گلوله‌های ژلاتینی: جنس این مواد، از رنگ‌های خوراکی و غیرسمی است.
 - ماسک محافظ: این ماسک، محافظ سر و صورت بازیکنان است و استفاده از آن اجباری است. حتی اگر دور زمین بازی، حفاظ نداشته باشد، تماشاگران هم باید ماسک بزنند.
 - لباس: جنس پیراهن‌ها نباید پارچه‌های لیز یا جذب‌کننده مایعات باشد. میزان پوشش هم به دمای هوا بستگی دارد و بازیکنان حتی می‌توانند از سه لایه لباس هم استفاده کنند.
- و اما:** کفش‌هایی که استوک فلزی دارند ممنوع هستند. بازیکنان هم اجازه دارند از دستکش‌هایی با لایه‌های محافظ و کلاه کاسکت‌هایی استفاده کنند که فقط سر و صورت را بپوشانند. اگر هم رعایت نکنند، از مسابقه اخراج می‌شوند.
- پینت‌بال (paintball) یا ورزش رنگ‌اندازی یک ورزش گروهی است که در آن، ورزشکاران در قالب دو تیم با تفنگ‌های مخصوص که گلوله‌های ژلاتینی پر از رنگ دارند، در محیطی پر از مانع با هم روبه‌رو می‌شوند. اعضای هر تیم هم می‌کوشند برای رسیدن به هدف، اعضای تیم حریف را هدف گلوله قرار دهند و با این کار آنها را از دور رقابت خارج کنند. این ورزش پرتحرک، چهارمین ورزش پر جنب و جوش جهان نامیده شده است. مردم آمریکای شمالی هم آنقدر به این ورزش علاقه دارند که در حدود ۱۴۰۰ زمین پینت‌بال و ۷۶۰۰ تیم پینت‌بال هم دارند! البته اگر تا امروز تعدادشان بیشتر هم نشده باشد.

موانع

پینت‌بال مانند ورزش‌های دیگر، هم وسایل خاص خودش را دارد و هم قوانین خودش. آنچه بیشتر در پینت‌بال به چشم می‌خورد، موانع یا بانکرهایی هستند که در زمین بازی قرار داده شده‌اند و بازیگران پشت آنها سنگر می‌گیرند تا گلوله به آنها اصابت نکند. عمومی‌ترین این بانکرها عبارتند از:

- تمپل: مانعی به شکل معبد (هرم با قاعده مربع)
- دوریتو: مانعی به شکل هرم با قاعده مثلثی



چطور بازی کنیم؟

این ورزش ممکن است به شکل‌های مختلف انجام شود. در یکی از انواع آن، هدف تسخیر پرچم تیم مقابل است و گروهی برنده می‌شود که پرچم تیم مقابل را بردارد و در زمین خود قرار دهد. هر بازیکنی که در تلاش برای به دست آوردن پرچم، مورد اصابت گلوله قرار بگیرد، باید از مسابقه بیرون برود و کسی هم جایگزین او نخواهد شد. زمان مسابقه هم ۲۰ دقیقه است. اگر در زمان مشخص شده تیمی نتواند پرچم حریف را ببرد، تعداد بازیکنان درون زمین برنده را مشخص خواهد کرد و تیمی برنده است که بازیکنان بیشتری در زمین داشته باشد.

هدف در نوع دیگر مسابقه، بیرون کردن بازیکنان حریف از زمین است. هر بازیکنی که رنگی می‌شود، باید تفنگش را بالا گرفته و از زمین خارج شود و این بازی تا زمانی ادامه دارد که تمام نفرات یک تیم از زمین خارج شده باشند.

پینت‌بال در ایران

ورود این ورزش در ایران در اوایل دهه ۱۳۸۰ بود. در سال ۱۳۸۷ فعالیت لیگ پینت‌بال شروع شد و با افزایش علاقه مردم، تیم‌های آن هم افزایش یافتند. مسابقات لیگ هم هر چهار سال یک بار انجام می‌شود.

بازیکنان

تعداد بازیکنان در کشورهای مختلف متفاوت است. در ایران مسابقات به دو صورت ۷ و ۵ نفره انجام می‌شود و تعداد بازیکنان ذخیره هر تیم، حداکثر ۸ نفر است. داوران هم حداقل ۸ نفر هستند و یک سرداور هم بر کار آنها نظارت می‌کند. وظیفه داوران مراقبت از ایمنی بازیکنان است.

زمین

زمین پینت‌بال، مسطح است چون سبب ایمنی بیشتری برای بازیکنان می‌شود. موانع هم می‌توانند طبیعی (مثلاً درختان) یا مصنوعی باشند. خطوط کناری زمین واضح هستند و تور محافظ زمین هم حداقل ۵٫۱ متر با خطوط کناری زمین فاصله دارد.

بعضی اصطلاحات

اُورشات: تیراندازی بیش از حد معمول به حریف

رَمپ: برنامه خودکار برای اینکه اسلحه گلوله‌های فراوانی شلیک کند

لودر: مخزن گلوله اسلحه پینت‌بال که هاپر هم نام دارد

گوگلز: ماسک محافظ صورت

بانکر: موانع موجود در زمین

مارکر: اسلحه پینت‌بال

منابع:

فرهنگ‌نامه طلایی ورزش، مهدی زارعی، نشر طلایی، ۱۳۹۲

paintballclubs.ir

باشگاه پینت‌بال شایراد shayradpaintball.com

چقدر کتاب می‌خوانیم؟



جدول و سرگرمی

																۱
																۲
																۳
																۴
																۵
																۶
																۷
																۸
																۹
																۱۰

۱. نویسنده «سووشون»
۲. نویسنده «ناظم مدرسه»
۳. نویسنده «قصه‌های مجید»
۴. نویسنده «ماهی سیاه کوچولو»
۵. نویسنده «روی ماه خداوند را ببوس»
۶. نویسنده «مجموعه هشت جلدی قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»
۷. نویسنده «هی با من دوست می‌شوی»
۸. نویسنده «هوشمندان سیاره اوراک» و «آقای هندوانه»
۹. نویسنده منظومه «موش و گربه»
۱۰. نویسنده داستان «کباب غاز»

تهیه‌کننده: علی افتخار



در کدام تصویر، تعداد  کمتر از  و بیشتر از  است؟





عصر طلایی دایناسورها

نام مؤلف، عرفان خسروی

ناشر، نشر طلایی

تعداد صفحات، ۶۴



کتاب «عصر طلایی دایناسورها»، یک دانشنامه تصویری و مختصر در مورد موجودات درشت هیکلی است که سال‌ها پیش در زمین زندگی می‌کردند: دایناسورها! بعد از آنکه نویسنده کتاب، عرفان خسروی، کتاب «فرهنگ‌نامه دایناسورها» را نوشت و با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد، این استقبال او را تشویق کرد تا کتاب حاضر را بنویسد.

این کتاب، روی حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان حساب ویژه‌ای باز کرده است و مخاطبان اصلی کتاب را نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ گواه این مطلب، مقدمه‌ای است که خود نویسنده در ابتدای کتاب نگاشته است. به علاوه، فضای تصویری و نقاشی‌مانند کتاب، تابلوهای رنگارنگی از زندگی دایناسورها را در برابر چشمان تصویرخواه مخاطب قرار می‌دهد و مهر تأییدی است بر اینکه این کتاب برای نوجوانان پرسشگر و کنجکاو نوشته شده است. نکته جالب برای دایناسورها که ذهن مخاطب را قلقلک می‌دهد، دیدن تصاویر این موجودات است و این کتاب با آگاهی صحیح از این نیاز، به صرف نوشته اکتفا نکرده و بیشتر تصویرمحور بوده است.

روزآمدی، واژه‌نامه، حمایت از محیط‌زیست و آشناسازی مخاطب با روش علمی از ویژگی‌های کتاب است. در انتهای کتاب نیز نقشه جامع زندگی دایناسورها و خلاصه آنچه در کتاب است، به صورت مختصر برای مخاطب بازعرضه می‌شود.



لطیفه

بخوانیم و بخندیم

زنگ زدم به قلم چی گفتم می‌خوام پشتیبان شم

گفت رتبت چنده؟

گفتم ۰۰۰۰۰۰، گفت تو استخدامی فقط بیا بگو چطوری تست زدی بقیه اونجوری تست نزن!

پدر از پسرش پرسید: امتحان ریاضی امروزت چطور بود؟

پسر: یکی از جواب‌هام غلط بود.

پدر: معلمتون چند تا سوال داده بود؟

پسر: پنج تا.

پدر: این خیلی عالیه، پس بقیه سوال‌ها رو درست حل کردی؟

پسر: نه دیگه، اصلا وقت نشد به بقیه نگاه کنم!!



معلم به دانش آموز: اگر تو روزی ۱۰۰ صفحه کتاب بخوانی، وقتی که با همکلاسیات باشی در مجموع با هم چند صفحه کتاب می‌خوانید؟

دانش آموز: هیچی!

لطیفه‌های ملانصرالدین

نماز جمعه

یک روز ملا را دیدند سوار بر خر دارد می‌رود.

پرسیدند: «ملا، کجا؟»

جواب داد: «می‌روم نماز جمعه.»

گفتند: «امروز که سه‌شنبه است.»

گفت: «اگر این الاغ تا روز جمعه مرا به مسجد

برساند، هنر کرده است.»

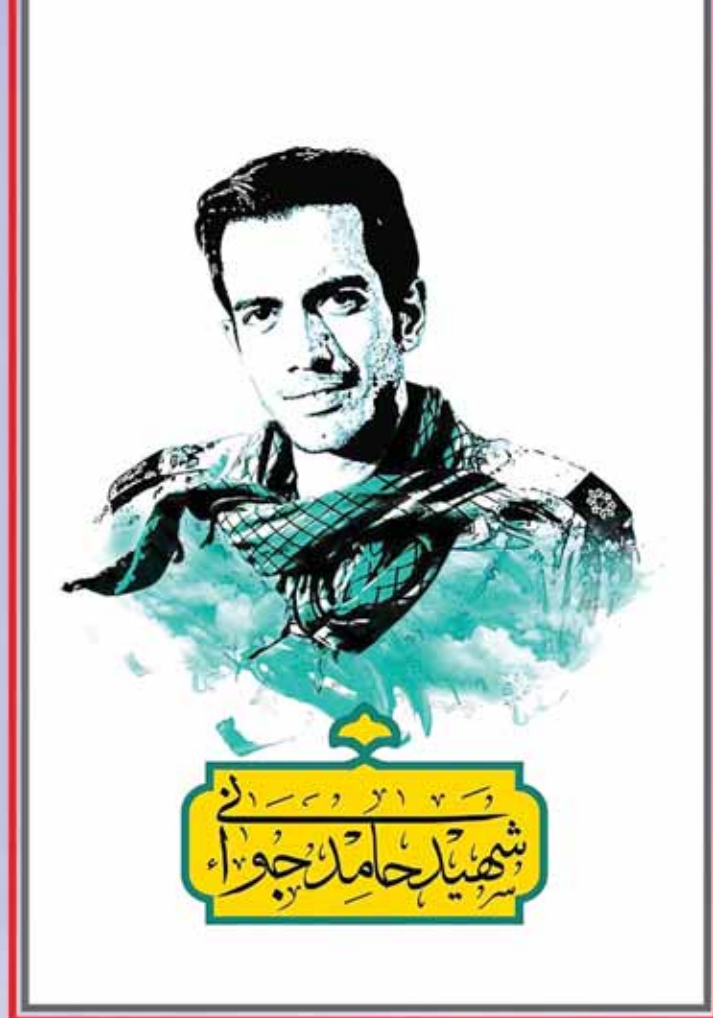
خدا را خوش نمی‌آید

ملا مقداری هیزم روی کول خودش گذاشته بود و خودش هم سوار خرش بود.

بچه‌های محل پرسیدند: «چرا هیزم را روی الاغ نمی‌گذاری؟»

ملا گفت: «خدا رو خوش می‌آید هم خودم بار خرم باشم هم هیزم؟!»





جوان ترین شهید مدافع حرم

دشمنان اسلام شاد و خرم می‌شوند و اگر گریه کنی در روز قیامت حلال نمی‌کنم... و نیز مادرم بنده ان‌شاءالله در این سفر که به سوریه عمودی می‌روم و افقی به ایران باز می‌گردم.

و نیز به گروه موزیک لشکر بگویند چون من با شما سابقه دوستی و همکاری داشتم موقع ورود پیکر من به تبریز بصورت عالی و منظم به نواختن موزیک پردازید...!! پدر عزیزم به دلم افتاده که این آخرین سفر من به سوریه می‌باشد و می‌دانم که شهید خواهم شد... لذا از صمیم قلب مرا حلال کنید... ای عاشقان اهل بیت رسول الله!

من خیلی آرزو داشتم که ۱۴۰۰ سال پیش بودم و در رکاب مولایم امام حسین (ع) می‌جنگیدم تا شهید شوم. و حال، وقت آن رسیده که به فرمان مولایم امام خاмене‌ای لبیک گفته و از اهل بیت پیامبر دفاع بکنم... لذا به همین منظور عازم دفاع از حرمین به سوریه می‌شوم و آرزو دارم همچون حضرت عباس(ع) در دفاع از خواهر بزرگوارشان شهید بشوم...

شهید حامد جوانی یکی از جوان‌ترین شهدای مدافع حرم آذربایجان متولد ۲۸ آبان ۶۹ است. در روز ۲۳ اردیبهشت ۹۴ در منطقه لاذقیه سوریه مجروح شده و بر اثر شدت جراحات حدود ۴۳ روز در سوریه و بیمارستان بقیه الله تهران بستری و در حالت کما بود که سرانجام با لبیک به دعوت حق، ۳ تیر ماه ۹۴ به قافله سیدالشهدا (ع) پیوست و در گلزار شهدای وادی رحمت آرام گرفت.

وصیتنامه‌ی شهید حامد جوانی

بسم الله الرحمن الرحيم السلام علیک یا ابا عبدالله یاحسین تا آخرین قطره‌ی خون نمی‌گذاریم دوباره خواهرت به اسارت برود...

تنها دلخوشی من برادرزاده‌ام علی است که وقتی او بزرگ شد به او بگویند که عمویت برای دفاع از حرم حضرت زینب (س) رفته و شهید شده است. بگذارید علی افتخار کند... مادر عزیزم اگر بنده توفیق شهادت پیدا کردم و برای من مجلس یادبود گرفتید، در عزای من گریه نکنید چراکه

امر به معروف و نهی از منکر از زبان پیامبر (ص)

پیامبر اکرم (ص) در رابطه با اهمیت امر به معروف و نهی از منکر فرمودند: آیا شما را از کسانی خبر دهم که نه انبیا و نه شهدا هستند ولی مردم (انبیا و شهدا) به مقام و مرتبت و جایگاه آنان در پیش خدا که بر منبرهایی از نور هستند غبطه می‌خورند؟ سؤال شد: ای رسول خدا (ص) آنان چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمود: آنان کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا و خدا را محبوب بندگانش می‌گردانند. سؤال شد: معنای محبوب گردانیدن خدا در پیش بندگانش معلوم است اما چگونه بندگان خدا را محبوب خدا می‌گردانند؟ پیامبر (ص) در جواب فرمود: به چیزی که خداوند متعال دوست دارد دعوت می‌کنند و از چیزی که خداوند متعال بدش می‌آید نهی می‌کنند، پس هنگامی که بندگان خدا، او را اطاعت می‌کنند محبوب خدا می‌گردند و خداوند متعال آنان را دوست می‌دارد.

شهید امر به معروف و نهی از منکر (قاسم سجادیان)



شهادت قاسم، شهید امر به معروف و نهی از منکر

در روز ۱۸ تیر ۱۳۸۷، زمانی که خانواده‌ای در اطراف سیدان به گردش رفته بودند، در راه برگشت، در کوچه‌باغ‌های مسیر، ماشینی راه آنها را سد کرد و سرنشینان ماشین، این خانواده را مورد آزار و اذیت قرار دادند. در این هنگام قاسم از راه رسیده و آنها را از انجام این کار برحذر داشت. اما زمانی که با صحبت به نتیجه نرسید، با آنها درگیر شد. که در نتیجه این درگیری، یکی از این افراد با دشنه‌ای که در ماشین داشت قاسم را زخمی کرد و قاسم بر اثر شدت زخم وارده به شهادت رسید.

خاطره همسر شهید قاسم سجادیان

چون اقوام نزدیک بودیم فکر می‌کردم او را می‌شناسم اما زمانی که زندگی مشترکمان آغاز شد فهمیدم شناختم نسبت به او بسیار اندک است، جوانی بود بسیار با حلم و گذشت؛ بردبار و مودب، اغلب کارهایش را خودش انجام می‌داد؛ از او بی‌احترامی ندیدم، به اقتضای شغلش که در معدن سنگ و روی لودر کار می‌کرد اغلب پیش یا اندکی پس از اذان صبح از خواب بیدار می‌شد نماز می‌خواند بسیار راحت و بی‌تکلف. ستاره‌ها در آسمان بودند که خانه را ترک می‌کرد. گاهی می‌شد که دو یا سه روز او را نمی‌دیدم زیرا وقتی از سر کار می‌آمد ما در خواب بودیم و هنگامی که می‌رفت هم ما خواب بودیم.

این همه تلاش و فعالیت در حالی بود که او نیازی به کار کردن نداشت و می‌توانست در ناز و نعمت زندگی کند اما انگار کار و فعالیت جزء جوهری وجودش بود. چیزی که شگفتی من را برمی‌انگیخت تواضع و فروتنی بی‌اندازه او نسبت به والدینش بود. صبح از لحظه بیداری تا زمان ترک منزل گاهی ۱۰ بار و بیشتر به پدر و مادر سلام می‌کرد، از این اتاق به اتاق دیگر می‌رفت سلام می‌کرد، از حیاط وارد خانه می‌شد، باز سلام می‌کرد. صبح نمی‌گذاشت پدرش دنبال جوراب و کفش و پیراهن بگردد و اگر می‌یافت جلوش می‌گذاشت. واقعا تا آن روز کسی را چون او ندیده بودم.

در هفتاد کیلومتری شمال شهر شیراز، شهری به نام سیدان قرار گرفته است که زادگاه قاسم سجادیان است. قاسم در سال ۱۳۵۲ درست در روز تاسوعا در این شهر متولد شد. شهر

سیدان، به دیار سادات و مومنین شهرت دارد و از شهرهایی بود که ساکنین و جوانان آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حماسه دفاع مقدس نقش پررنگی داشتند. در این فضای مذهبی، قاسم سال‌های کودکی و سپس تحصیل خود را می‌گذراند و فضایل انسانی و اخلاق نیکو می‌آموخت. آنگونه که معلم‌هایش می‌گویند قاسم بسیار باوقار و محبوب بود و روحیه‌ای جوانمردانه داشت. او در برابر معلم‌هایش بسیار فروتنی داشت و حتی هنگام خداحافظی با آنها متواضعانه عقب‌عقب می‌رفت و به آنها پشت نمی‌کرد. قاسم در دوران تحصیل هم یار و مددکار پدر بود و در برابر والدینش احساس مسوولیت زیادی می‌کرد. وقتی مادر را پشت دار قالی می‌دید و دستان خسته و پینه‌بسته پدر را می‌دید، انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل در دانشگاه نداشت و در سال ۱۳۷۱ تصمیم گرفت به خدمت سربازی برود و در آنجا هم خوب درخشید.

در سال ۱۳۷۳ خدمت سربازی‌اش تمام شد و نزد پدر و مادرش برگشت. او باوقار، نیرومند، رشید و پهلوانی بود که با رفتار و گفتارش به دوستانش درس‌های تازه‌ای از انسانیت می‌داد؛ درس‌هایی از غیرت، جوانمردی، تعصب به دین، احترام به خانواده، ساده‌زیستی و بی‌ریایی.

بعد از یک‌سال با دخترعمه‌اش ازدواج کرد و ثمره ازدواجشان حامد بود. زمانی که حامد دو سال بیشتر نداشت، قاسم درحالی که سعی داشت عده‌ای را از کار ناپسند آزار دیگران نهی کند به شهادت رسید. قاسم در روز جمعه ۱۸ تیر سال ۱۳۸۷ در راه امر به معروف و نهی از منکر آسمانی شد.

آموزگار رمزهای کهن

دانشمند ایرانی:

دکتر ژاله آموزگار یگانه

دانشمند ایرانی

تهیه کننده: مریم زندی



دریافت کرد.

ژاله آموزگار پس از این که دکترای خود را دریافت کرد، به ایران بازگشت و از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ در بنیاد فرهنگ ایران به پژوهش مشغول شد. از سال ۱۳۴۹ هم در دانشگاه تهران به تدریس پرداخته است. ایشان به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ترکی، پهلوی و اوستایی تسلط دارد. با این حال زنی دانشمند است، متواضع و فروتن، مهربان و صمیمی. ایشان یک آموزگار به تمام معناست که هیچ‌گاه از آموختن آنچه خودش فراگرفته به دانشجویانش دریغ نمی‌ورزد. او سالیان سال، سختی و مرارت کشیده تا متون کهن را فراگیرد و از رازهای اسطوره‌های باستان رمزگشایی کند. او را به‌عنوان استاد دانشگاه، پژوهشگر، نویسنده و مترجم می‌شناسیم و سالیان سال در دانشگاه تهران تدریس کرده و دانشجویانی را تربیت کرده که بیشترشان سرآمدان باستان‌شناسی ایران هستند.

دکتر آموزگار، در سال ۱۳۹۵ جوایزی مانند لژیون دونور

در روز دوازدهم آذرماه سال ۱۳۱۸ شمسی در شهر خوی چشم به جهان گشود و آنچه در آینده‌اش بود، خدمتی بزرگ به دانش باستان‌شناسی ایران بود. او ژاله آموزگار یگانه است. پدرش اهل تبریز و مادرش هم تهرانی بود. دیپلمش را در سال ۱۳۳۵ از دبیرستان ایراندخت تبریز اخذ کرد. پدرش رئیس همان دبیرستان دخترانه بود که در آنجا تحصیل کرد و مادر هم از تحصیل‌کردگان روزگار خود بود. بنابراین، ایشان در یک خانواده فرهنگی رشد کرده بود و محدودیتی برای تحصیلش قایل نبودند. پس از آن وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۸ از دانشکده ادبیات تبریز با رتبه اول فارغ‌التحصیل شد. در دوران دانشگاه، همنشینی با عموییش که یکی از شعرا و نویسندگان معتبر آذربایجان بود، باعث شکل‌گیری شخصیت علمی او شد و در همان اثنا هم با یکی از همکلاسی‌هایش ازدواج کرد و توانست به تشویق همسرش، به همراه او و دخترشان از بورس دانشگاه استفاده کند و به فرانسه برود. وی در دانشگاه سوربن مشغول به تحصیل شد و دکترای زبان‌های باستانی را در سال ۱۳۴۶ از این دانشگاه



از وزارت فرهنگ فرانسه و همچنین جایزه سرو ایرانی در زمینه میراث فرهنگی را دریافت کرده است.

برخی از مهمترین کتاب‌های او عبارتند از:

اسطوره زندگی زرتشت، با همکاری احمد تفضلی

زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، با همکاری احمد تفضلی

تاریخ اساطیری ایران

ترجمه: ایران باستان نوشته ماریان موله

ترجمه: نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان نوشته آرتور کریستن سن

ترجمه: شناخت اساطیر ایران، نوشته جان هینلز

ارداویراف نامه یا ارداویرازنامه: حرف نویسی، آوانویسی، ترجمه متن پهلوی، واژه نامه نوشته فیلیپ ژینیو و ...

او همچنین نویسنده بیش از ده‌ها مقاله در خصوص زبان‌های باستانی و اساطیر ایرانی به زبان‌های

فرانسوی، انگلیسی و فارسی بوده است.

مهدی باقرپسندی از اساتید دانشگاه تهران درباره دکتر آموزگار می‌گوید: «صداقت در نقل قول‌ها، صراحت و شجاعت در بیان اندیشه‌ها، دقت و توجه به آداب و رسوم اقوام و نیز علاقه و توجه به واژه‌های باستانی به‌جا مانده، موشکافی و باریک‌بینی در موضوعات علمی، تاریخی و اساطیری، ایجاد علاقه و انگیزه برای مطالعات غیردرسی از جمله ویژگی‌های استاد آموزگار است. علاوه بر درس و دانش در محضر استاد آموزگار آموختیم که زندگی و حیات زیباست اما نه به هر قیمتی و گوهر استغنا یعنی بی‌نیازی در عین نیاز، دری نایاب و درج زندگی است و آزادگی، شرافت و منزلت انسانی والاترین دستاورد هر انسان است». سرزمین ایران، همواره به پروراندن بانوان دانشمند به خود بالیده است، دانشمندان و اساتیدی که در تلاش هستند برای افتخار ایران و گشودن رمزهای علم و دانش. باشد که دختران و پسران سرزمینمان، همواره نگاهی به زندگی و آثار آنها داشته باشند و جایگاه واقعی خود را در این دنیا بیابند.

منبع:

انسان‌شناسی و فرهنگ www.anthropology.ir

www.azadamirkhizi.blogfa.com



استرس در نوجوانان

قسمت دوم، شناخت عوامل استرس‌زا

با استرس است. اگر شما در شناخت عوامل استرس‌زا قاطع هستید، این کار کمک بسیاری به شما در شناخت عوامل استرس‌زا می‌کند و تاثیر مهمی خواهد داشت. شناخت عوامل استرس‌زا همچنین می‌تواند ما را نسبت به وقوع استرس آگاه سازد. اگر قبل از این که استرس اتفاق بیفتد، متوجه‌اش شویم، باز می‌توانیم آن را مدیریت کنیم یا از افزایشش جلوگیری کرده و از شدتش بکاهیم. به عنوان مثال: کارهای خود را با نظم و ترتیب انجام دهید. اگر فضای زندگی کثیف و نامرتبی دارید ممکن است این فضای آشفتة علت استرس شما باشد، به‌خصوص اگر شما هرگز نتوانید آن‌چه که نیاز دارید را به موقع پیدا کنید. یاد بگیرید که به آسانی «نه» بگویید. افرادی که استرس بیش از حد دارند، اغلب بیش از حد خودشان تعهدات قبول می‌کنند و نمی‌توانند تعهداتشان انجام دهند.

وقت بیشتری برای آرامش خودتان در نظر بگیرید. هنگامی که برخی از تعهدات استرس‌زای شما کاهش پیدا کرده، سعی کنید کارهای

برخورد با بسیاری از عوامل استرس‌زا در زندگی روزمره ما غیر قابل اجتناب است، اما برای جلوگیری از استرس غیر ضروری از بسیاری از این عوامل می‌توان دوری کرد. پس از این که عوامل استرس خود را شناسایی کردید، می‌توانید راه‌هایی برای نادیده گرفتن آن پیدا کنید و آن را تغییر دهید، یا از آن‌ها جلوگیری کنید. شناخت درست عوامل استرس‌زا شما را در غلبه بر آن‌ها یا کاهش میزان تاثیرگذاری‌شان یاری می‌کند. شما می‌توانید با کنترل و محدود کردن برخی مسائل تنش‌های غیر ضروری را از خود دور کنید. به طور مثال: اگر برخورد با یک دوست خاص باعث ایجاد استرس بیش از حد در شما شده است، در رابطه خود با آن شخص تجدید نظر کنید. اگر خواندن نظرات دیگران در مورد شما در شبکه‌های اجتماعی باعث بروز استرس می‌شود، زمان کمتری برای این کار بگذارید.

قبل از این که استرس اتفاق بیافتد متوجه‌اش شویم
دوری از عوامل استرس‌زا یک راه برای مقابله

مکان‌ها و موقعیت‌هایی که باعث استرس برای شما می‌شود را شناسایی کنید، می‌توانید با دوری از آن‌ها و یا محدود کردن زمان اقامت و حضور خود در آن‌جا، استرس خودتان را هم کم کنید. گاهی اوقات شما به سادگی می‌توانید فضا را نیز تغییر دهید، به‌عنوان مثال: با انجام یک بازی، شنیدن یک موسیقی آرامش‌بخش، بو کردن یک رایحه دلپذیر، یا تمیز کردن اتاق و میزتان این تغییر حالت در شما اتفاق می‌افتد.

زمانی که نیاز است از دیگران کمک بگیرید

در صورتی که استرس واقعی داشته باشید. تاثیر منفی استرس می‌تواند بر روی شما بسیار زیاد باشد. اغلب، صحبت کردن با دیگران در مورد استرس می‌تواند به شما کمک کند تا آن را مدیریت کنید و یا حتی آن را از بین ببرید. پدر و مادر، یک دوست مورد اعتماد، خواهر و برادر، معلم و یا یک مشاور حرفه‌ای یا روانشناس می‌توانند به شما کمک کنند. فقط کافی است تا به آن‌ها اعتماد کنید و اجازه دهید کمک‌تان کنند. اگر استرس شما به مرحله‌ای رسیده است که در حال آسیب رساندن به خودتان هستید بلافاصله باید با کسی صحبت کنید. تماس با خدمات اورژانس و یا یک خط تلفن بحران می‌تواند به شما کمک کند.

لذتبخش و مثبت را جایگزین کنید و زمان خود را با فعالیت‌های بدون استرس که از آن لذت می‌برید، پر کنید.

بر روی مهارت‌های خود در حل مساله کار کنید. اگر شما بتوانید یک موضوع استرس‌زا را قبل از اتفاق افتادن به‌طور کامل حل کنید، بنابراین می‌توانید به مقدار زیادی از هدر رفتن زمان خود جلوگیری کنید.

در اطراف خود افراد حامی داشته باشید. بیشتر وقت خود را با دوستان و خانواده خود بگذرانید که شما را درک می‌کنند و از شما در شرایط استرس‌زای زندگی حمایت می‌کنند.

محیط خود را تغییر دهید

گاهی اوقات، یک تغییر ساده در محیط می‌تواند بر روی استرس شما تاثیر بگذارد. قدم زدن؛ هوا خوری؛ پیدا کردن یک محل جدید برای خوردن ناهار کمک زیادی به شما می‌کند که استرس‌های خودتان را کم کنید. هنگامی که



معرفی مشاغل:

من یک پلیس هستم

مشاغل



راهنمایی و رانندگی، پلیس مواد مخدر، پلیس آگاهی و پلیس انتظامات که هر یک در محیط‌های جداگانه‌ای کار می‌کنند و البته بنا به موقعیت، با هم نیز در ارتباط خواهند بود. از دیگر شاخه‌های پلیس می‌توان به پلیس پیشگیری، پلیس حفاظت از شخصیت‌ها، یگان حفاظت از اماکن مانند بانک‌ها و آثار تاریخی، جنگلبانی، هنگ مرزی، پلیس ساحلی، یگان ضربت، یگان ضد شورش، گارد ویژه و یگان واکنش سریع اشاره کرد.

وظایف پلیس

بررسی جرایم، رسیدگی به شکایات، جلوگیری از فرار مجرم، پیشگیری از سرقت، عملیات دستگیری مجرم، برقراری نظم و امنیت، مقابله با خرابکاری، شورش و فعالیت‌های ضد امنیت کشور، حراست از مکان‌ها و تاسیسات، حفاظت از مسئولین و شخصیت‌ها، مراقبت و

از گروه مشاغل دولتی و حوزه نظامی، می‌توان به شغل پلیس اشاره کرد. یک کارشناس نیروی انتظامی یا مأمور اداره پلیس، فردی است که اجرای قانون را بر عهده دارد. هرچند این شغل، سختی‌ها، هیجان و فشار روحی و جسمی خاص خودش را دارد، اما از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که امنیت و نظم را در جوامع حفظ می‌کند. پس اگر هیجان و چالش را دوست دارید، به دیگران کمک می‌کنید و خواستار جامعه‌ای امن هستید، می‌توانید این شغل را انتخاب کنید.

فضای کار یک پلیس

یک پلیس، در پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها کار می‌کند. در صورت نیاز به مأموریت هم اعزام می‌شود. به‌طور کلی محیط کار یک پلیس، به شاخه‌ای که در آن فعالیت می‌کند بستگی زیادی دارد و متفاوت است. مانند پلیس

کنترل مرزها و تلاش در حفظ و نگهداری سازمان در زمینه‌های امنیتی.

توانایی‌ها و رفتار

از جمله توانایی‌های پلیس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

صداقت، قابل اعتماد بودن، رسیدن به موقع به موقعیت عملیات، پشتکار در انجام وظایف، حفظ آرامش در شرایط بحرانی، توانایی کار فردی و تیمی، شجاعت، ابتکار، ادب، قاطعیت، انضباط، دلسوزی، توانایی دستور دادن و دستور گرفتن و اطلاع از قوانین موجود.

شاخه‌های پلیس

هر یک از شاخه‌های پلیس زیرمجموعه‌هایی دارد که پلیس‌ها به تناسب فعالیت خود در این مجموعه‌ها قرار می‌گیرند. مثلاً شاخه کشف جرایم شامل پنج گرایش آگاهی، تشخیص هویت، مبارزه با جرایم اقتصادی، مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با مفاسد اقتصادی است.

شاخه راهنمایی و رانندگی سه گرایش دارد که شامل خدمات فنی راهور (شماره‌گذاری خودروها، صدور کارت ماشین، برگزاری آزمون رانندگی)، عملیات انتظامی راهور (بازسازی صحنه تصادفات، عملیات

امداد در خیابان‌ها و جاده‌ها) و گرایش مهندسی ترافیک (تعیین تقاطع‌ها، میدان‌ها، دوربرگردان‌ها، خیابان‌های یک‌طرفه و دوطرفه و ...) است.

چگونه پلیس شویم

فرد علاقمند به این حرفه پرهیجان و پرریسک، هم می‌تواند با مدرک دیپلم وارد این شغل شود و هم در کنکور سراسری سازمان سنجش، گزینه نیروی انتظامی را انتخاب کرده و وارد دانشکده افسری شود. دانشگاه علوم انتظامی، دارای دانشکده‌های فرماندهی و ستاد، پلیس انتظامی، پلیس اداری و فنی، پلیس جنایی، پلیس راهنمایی و رانندگی، پلیس مرزی، پلیس امنیتی است.

هر پلیس بر اساس سطح تحصیلات و سوابق کاری در این شغل پیشرفت می‌کند. افراد در این شغل، هر چهار سال یک‌بار درجه بالاتر می‌گیرند. گذراندن دوره‌های آموزشی حین خدمت هم در ارتقای شغلی آنها تاثیر دارد. آیا می‌خواهید یک پلیس باشید؟

منابع:

فرهنگنامه مشاغل، نشر طلایی، ۱۳۹۱

هدایت شغلی و تحصیلی مسیر ایرانیان iranianpath.com

وبگاه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران police.ir

تهیه‌کننده: فرناز توکلی



نقش‌های شیشه‌ای

موزه نقاشی پشت شیشه

تهیه‌کننده: شیما آقازاده



آن وارد کنند و حاشیه‌های رنگی، گل‌ها، گل و مرغ، نگارگری ایرانی، روایت‌های مذهبی و ملی و تاریخی و خطوط قرآنی جای نقش‌های وارداتی را گرفتند. در این موزه هم نقاشی‌های بسیار متنوعی نگاهداری می‌شوند از جمله تصاویر انسانی مانند چهره‌ها، شخصیت‌های مذهبی، درباری، تاریخی، عامه مردم، گل و مرغ، تصاویر هندسی، گل و گیاه و حیوانات. نقاشی‌های مذهبی هم دسته دیگری از این آثار هستند که حاوی روایت‌ها، داستان‌ها، صحنه‌های جنگ و شخصیت‌های مذهبی مانند امامان، پیامبران و پیشوایان دینی هستند.

باید اضافه کرد که نقاشی پشت شیشه، تکنیکی در هنر نقاشی است که در آن، ابتدا جزییات و ریزه‌کاری‌های نقاشی‌ها انجام می‌شود و سپس کلیات رنگ‌گذاری انجام می‌شود در صورتی که در نقاشی‌های دیگر، ابتدا طرح‌ها و رنگ‌های کلی اجرا می‌شوند و سپس به جزییات پرداخته می‌شود. هنرمندان در این نقاشی‌ها، علاوه بر رنگ انواع مواد ترکیبی مانند کاغذهای رنگی، نخ، الیاف ابریشم، چرم و غیره را هم مورد استفاده قرار می‌دادند. چون این نقاشی معکوس است، هنرمند باید قدرت قلم، مهارت و ظرافت داشته باشد. نکته مهم دیگر این که نقاشی پشت شیشه با نقاشی روی شیشه یا همان ویتراژ متفاوت است. ویتراژ بر روی شیشه انجام می‌شود و مانند نقاشی‌های دیگر، ابتدا طرح کشیده شده و رنگ‌گذاری کلی انجام می‌شود و سپس به جزییات پرداخته می‌شود در حالیکه نقاشی پشت شیشه از این نظر متفاوت است.

منبع:

برای بازدید از نقاشی‌هایی خاص به این موزه که در خیابان سعدی تهران واقع شده می‌رویم. نقاشی‌هایی که نه بر سطح بوم بلکه بر سطح زیرین شیشه (پشت شیشه) خلق شده و از هنرهای قدیمی ایران محسوب می‌شوند. نام این موزه، موزه نقاشی پشت شیشه است که شاید تنها موزه خاص نقاشی‌های پشت شیشه در جهان باشد.

ساختمان موزه نقاشی پشت شیشه، در سال ۱۳۰۹ ساخته شده و به پزشکی به نام دکتر شقاقی تعلق داشته است. این ساختمان که به سبک معماری قاجاری و اروپایی ساخته شده، ساختمانی سفیدرنگ دوطبقه است که گچ‌بری‌های سقف طبقه دوم و بالکن‌های چوبی آن، زیبایی خاصی به بنا بخشیده است.

در داخل موزه، تابلوهایی از نقاشی‌های پشت شیشه به‌صورت دائمی نمایش داده می‌شوند و کتابخانه کوچکی هم در طبقه اول قرار دارد که مراجعه‌کنندگان می‌توانند از کتاب‌های این مجموعه در آنجا استفاده کنند. تعداد آثار موزه ۴۴۲ اثر هنری است که تعداد ۶۰ اثر به‌صورت همیشگی در معرض نمایش هستند.

با این که تاریخ ساخت و استفاده از شیشه‌های رنگی در ایران بسیار قدیمی است و به دوره ایلامیان می‌رسد اما نقاشی پشت شیشه هنری بود که در زمان صفویان و به‌دلیل ارتباط با اروپا به ایران وارد شد. بلافاصله بعد از اینکه هنرمندان چگونگی و تکنیک انجام نقاشی‌های پشت شیشه را فراگرفتند، آن را با نقش‌های بومی، به‌صورت ایرانی درآوردند و توانستند موضوعات، طرح‌ها و اندیشه ایرانی را به

www.portal.ichto.ir سازمان میراث فرهنگی

www.seeiran.irwww.makanbin.com

می‌روم حلیم بخرم

و برگشت. چند مدتی درس خواندم و دوباره به فکر رفتن به جبهه افتادم. رفتم ستاد اعزام و آن‌قدر فیلم بازی کردم و سرتق‌بازی درآوردم تا اینکه مسوول اعزام، جان به لب شد و اسمم را نوشت.

روزی که قرار بود اعزام شویم، صبح زود به برادر کوچکم گفتم: «من می‌روم حلیم بخرم و زودی برگردم.» قابلمه را برداشتم و دم در خانه آن را زمین گذاشتم و یا علی مدد، رفتم که رفتم.

درست سه ماه بعد، از جبهه برگشتم. در حالی‌که این مدت از ترس حتی یک نامه برای خانواده نفرستاده بودم. سر راه از حلیم‌فروشی یک کاسه حلیم خریدم و رفتم طرف خانه. در زدم. برادر کوچکم در را باز کرد و وقتی حلیم را دید با طعنه گفت: «چه زود حلیم خریدی و برگشتی!» خنده‌ام گرفت. داشتم سر برگرداندم و فریاد زد: «نورعلی، بیا که احمد آمده!» با شنیدن اسم نورعلی چنان فرار کردم که کفشم دم در خانه جا ماند!

برگرفته از کتاب: رفاقت به سبک تانک، داوود امیریان، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸

آن‌قدر کوچک بودم که حتی کسی به حرفم نمی‌خندید. هر چی به بابا ننه‌ام می‌گفتم می‌خواهم به جبهه بروم، محل آدم بهم نمی‌گذاشتند. حتی توی بسیج روستا هم وقتی گفتم قصد رفتن به جبهه را دارم همه به ریش نداشته‌ام هرهر خندیدند. مثل سریش چسبیدم به پدرم که الا و بالله باید بروم جبهه. آخر سر کفری شد و فریاد شد: «به بچه که رو بدهی سوارت می‌شود. آخر تو نیم‌وجبی می‌خواهی بروی جبهه چه گلی به سرت بگیری.» دست آخر که دید من مثل کنه به او چسبیده‌ام رو کرد به طویله‌مان و فریاد زد: «آهای نورعلی، بیا این را ببر صحرا و تا می‌خورد کتکش بزن و بعد آن‌قدر ازش کار بکش تا جانش دریاید!»

قربان خدا بروم که یک برادر غول‌پیکر بهم داده بود که فقط جان می‌داد برای کتک زدن. نورعلی حاضر به یراق دوید طرفم و مرا بست به پالان الاغ و رفتیم صحرا. آن‌قدر کتکم زد که مثل نرم‌تنان مجبور شدم مدتی روی زمین بخزم و حرکت کنم. به‌خاطر اینکه توی ده مدرسه راهنمایی نبود، بابام من و برادر کوچکم را که کلاس اول راهنمایی بود، آورد شهر و یک اتاق در خانه فامیل اجاره کرد



خدا

به نام خداوند رنگین کمان
خداوند بخشنده مهربان

خداوند زیبایی و عطر و رنگ
خداوند پروانه‌های قشنگ

خداوند باران و نقلِ تگرگ
نفس‌های باد و تپش‌های برگ

خدایی که از بوی گل بهتر است
و از نور باران صمیمی‌تر است

خدای صمیمی، خدای سلام
خدای غزل، قصه‌ی ناتمام

خدایا! به ما مهربانی بده
دلی ساده و آسمانی بده

دلی مثل گلخانه‌ی دوستی
پر از عطر و پروانه‌ی دوستی

دلی چون دل کوچک باغچه
پر از بال سنجاقک باغچه

دلی که به عشق تو وا
می‌شود
پر از رنگ و بوی دعا
می‌شود

محمود پوروهاب

مرا بخوان

مرا بخوان!

به نام آب و آفتاب و آینه
به نام سوره‌ی سپید دوستی
و آیه‌های سبز باغ زندگی!

مرا بخوان!

به عطر و بوی گرم نان
به لحن آسمانی فرشتگان
به رسم کودکان روستای آبی خدا
و تیرهای شیطننت
که بی نشانه جسته از زه کمان

بخوان!

به یک زبان و صد زبان،

بخوان!

ز هر کجا

گرفته مرغ جانت آشیان

بخوان

سخن بگو

کنار خنده‌های روشن توام

چو قطره‌های اشک بی‌بهانه‌ات

به روی دامن توام

تو نونهال بوستان سبز آفرینشی

اگر که تشنه‌ای بگو!

نشان چشمه‌ی زلال آب می‌دهم
تو را

اگر که خسته‌ای بگو

کلید گنج قلعه‌های خواب می‌دهم
تو را

بخوان، بخوان

جواب می‌دهم تو را

محمدعلی دهقانی

نماز جمعه

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا داده می‌شود، به‌سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید، اگر بدانید این برای شما بهتر است.» (سوره جمعه، آیه نهم)

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان، در روز جمعه برگزار می‌شود. روز جمعه از اعیاد مهم مسلمان‌هاست و از آن به‌عنوان برترین روزها یاد شده است. اجتماعی که در این روز برگزار می‌شود، نماز جمعه است و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به‌جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند. در روایات، سفارش زیادی بر نظافت بدن و پوشیدن بهترین لباس‌ها و استفاده از عطر و مسواک‌زدن برای رفتن به نماز جمعه شده است. نماز جمعه دو رکعت است؛ مانند نماز صبح، ولی دو خطبه واجب دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود. به‌طور کلی در زمان اقامه خطبه توسط امام جمعه آنچه که موجب گوش‌ندادن واز بین رفتن فایده خطبه می‌شود باید ترک شود. چرا که در برخی روایات از دو خطبه به‌عنوان جایگزین دو رکعت در نماز ظهر جمعه یاد شده است، و لذا دو خطبه به جای دو رکعت نماز به‌شمار می‌آید و از این جهت کارهایی که در نماز جایز نیست، در بین دو خطبه نیز جایز نیستند. امام جمعه در خطبه‌ها افراد را از امور مختلف اجتماعی و سیاسی آگاه می‌کند. در خطبه نخست، به اندرزهای دنیوی و اخروی می‌پردازد و در خطبه دوم هم مسائل داخلی و خارجی را از دیدگاه اسلامی بیان می‌کند. اگر کسی به خطبه‌ها نرسد، باز هم می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند.

چگونگی اقامه نماز جمعه

نماز جمعه دو رکعت است و با نیت و تکبیره‌الاحرام آغاز می‌شود. امام جماعت حمد و سوره توحید (یا به‌جای حمد، سوره جمعه را هم می‌خوانند) را می‌خواند و سپس قنوت گرفته می‌شود. پس از آن رکوع و دو سجده به‌جای آورده می‌شوند. در رکعت دوم، سوره منافقون و سوره توحید توسط امام جماعت خوانده می‌شود و پس از آن به رکوع می‌روند و سپس قنوت و پس از آن هم دو بار سجده به‌جای آورده می‌شود. بعد از دو سجده تشهد و سلام خوانده شده و نماز به پایان می‌رسد.

سخنانی از پیامبر و ائمه درباره اهمیت نماز جمعه:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نزدیکی مردم با خداوند در روز قیامت به مقدار رفتن آنها به نماز جمعه به ترتیب نفر اول و دوم و سوم است. (مستدرک الوسائل/ ج ۶/ ص ۳۹)

امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ قدمی نیست که در راه نماز جمعه برداشته شود مگر آنکه خدا بدن آن را بر آتش حرام می‌سازد. (وسائل الشیعه/ ج ۵/ ص ۳)

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر مسافری که به خاطر رغبت و علاقه خودش در نماز جمعه حاضر شود، خداوند او را پاداش صد نماز جمعه غیر مسافر عطا نماید. (وسائل الشیعه/ ج ۵/ ص ۲۶)

منبع:

آموزش نماز و احکام آن، موسسه انتشارات حضور
پرتال کلید بهشت www.paradise-key-fa.blogfa.com
پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه www.hawzah.net

تأثیر دعا بر درمان و سلامتی

نتایج مطالعات متعدد دانشمندان در کشورهای مختلف در طول سالها نشان می دهند که افکار و عقاید مذهبی، معنویت و دعا بر روی سلامت و بهبود روندهای درمانی به کار گرفته شده از جانب پزشکان و به گونه ای بر علم پزشکی تاثیر قابل مشاهده ای داشته اند. بسیاری از دانشمندان بر روی تاثیرات درمانی دعا مطالعه کرده و این تاثیرات را ارزیابی کرده اند. به طور کلی، این مطالعات نشان می دهند افرادی که به صورت منظم و مرتب دعا و یا عبادت می کنند کمتر به بیماری مبتلا می شوند و در صورت ابتلا به بیماری سریعتر از دیگر افراد بهبود پیدا می کنند. نکته شگفت انگیز اینجا است که دعا کردن نه تنها بر روی سلامت خود فرد تاثیر گذار است، بلکه برای افرادی که دیگران برای آن ها دعا کرده اند نیز مفید است. دهها مطالعه نشان داده اند معنویت، از دعای معمولی گرفته تا مراقبه و حضور در مراسم مذهبی چنان تاثیراتی بر روی سلامت انسان ها دارد که علم تاکنون موفق به توضیح کامل آن نشده است. در میان تاثیرات این پدیده معنوی می توان به افزایش امید به زندگی، افزایش قدرت ایمنی بدن، بهبود یافتن واکنش بدن در برابر فشارهای روحی، بهبود یافتن افسردگی و کمک به بیماران در بهبود از بیماری های شدید از قبیل سرطان، بیماری های قلبی عروقی و دیگر بیماری ها اشاره کرد.

برای سلامتی خود دعا کنید

بر اساس نتایج مطالعه ای دیگر که توسط محققان دانشگاه ماساچوست آمریکا انجام گرفته است، گرایش انسان ها به سوی دعا برای سلامتی شان افزایش پیدا کرده است. با اینکه هنوز دلیل این افزایش تمایل به سوی دعا مشخص نشده، اما محققان باور دارند افزایش آگاهی جمعی درباره قدرت دعا و عبادت بر روی سلامت می تواند یکی از عوامل این افزایش گرایش باد.

عبادت درک فرد را افزایش می دهد

بسیاری از انسان ها عبادت را جایگزینی برای درمان های رایج پزشکی می دانند و بر اساس مطالعات انجام شده عبادت می تواند درک فرد را نسبت به سلامت جسمی و ذهنی اش افزایش داده و در کنترل فشارهای روحی موثر واقع شود. آگاهی از اعتقاد بیمار به معنویت و داشتن عقاید مذهبی نیز می تواند به پزشکان در بهبود روند درمانی بیمار کمک کند. بر اساس نتایج مطالعات دانشمندان آمریکایی، برای افرادی که به صورت حقیقی به عبادت و دعا اعتقاد دارند، مقابله با مشکلاتی از قبیل بیماری های سخت بسیار ساده تر خواهد بود.

تأثیر معنویت بر بهبود بیماری های مغزی

به گفته دانشمندان پس از آسیب های مغزی، عملکرد عادی مغز دچار اختلال می شود و این اختلال می تواند منجر به بروز بیماری های جدی فیزیکی و جسمانی شوند که این بیماری ها نیز بر روی روند بهبود کلی فرد تاثیر منفی دارند. اما مطالعاتی که به تازگی انجام گرفته نشان می دهند مذهبی و معنوی بودن می تواند در بهبود یافتن سریعتر از این آسیب های مغزی تاثیر قابل توجهی داشته باشد.

منبع : بیتوته - beytoote.com

این قلعه، به چه چیزی قهقهه می زند؟

قلعه قهقهه

به ۸۵ کیلومتری شمال شرقی شهرستان مشکین شهر در استان اردبیل که برویم، به قلعه‌ای مخوف و مستحکم به نام دژ یا قلعه قهقهه برمی‌خوریم که گرچه نام آن به معنای خنده بلند و همچنین آواز کبک است، اما از جمله بناهای مخوفی بوده که در طول تاریخ، سرگذشت و مرگ افراد بسیاری را به خود دیده است و به دلیل اینکه محل زندانی شدن افراد سیاسی مهمی - مانند شاهزادگان صفوی - در زمان گذشته بوده در تاریخ شهرت بسیاری دارد. نام دیگر این بنا، قاه‌قه قالاسی است و از سنگ ساخته شده و در سال ۱۳۸۱ هم در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

باستان‌شناسان می‌گویند این قلعه در دوران قبل از اسلام پایه‌ریزی شده است. در زمان صفوی هم اهمیت بسیاری داشته و سال‌ها به عنوان خزانه جواهرات سلطنتی و همچنین یک زندان مهم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قلعه بر روی یک تپه سنگی به ارتفاع ۳۰۰ متر از زمین ساخته شده و اطراف آن چنان حصار مستحکمی دارد که هنوز هم ورود به آن غیر ممکن است و فقط در شرایط جوی مناسب می‌توان به آن وارد شد.

دژ سه دیوار یا حصار دارد و حصار چهارم هم به عنوان زندان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قلعه از واحدهای تاسیسات دفاعی، نگهبانی، زندان، مخازن و انبار تشکیل شده و تمامی نکات امنیتی در احداث این قلعه برای نگهداری زندانیان رعایت شده است.

تنها مسیر رفتن به قلعه، از مسیر شمال شرقی است که تازه بعد از یک ساعت راه رفتن می‌توان به ورودی دژ رسید. زندان دژ هم در انتهای قسمت شرقی قلعه قرار گرفته است و راه ورود آن هم حفره‌ای طبیعی است که در دل تخته سنگی بزرگ است و از یک سنگ بزرگ در مقابل آن به عنوان درب استفاده می‌کردند. سه قسمت زندان هم مشرف به یک دره ۸۰ متری است. پس واقعاً فرار زندانی‌ها از این زندان مخوف، امری غیرممکن بوده و اگر کسی می‌خواست فرار کند، فرارش با سقوط و مرگ همراه می‌شده است.

از زندانیان این دژ می‌توان افراد زیر را نام برد: اسماعیل میرزا فرزند شاه‌طهماسب یکم صفوی یا همان شاه اسماعیل دوم که مردی جنگجو بود و چون به فرمان‌های پدر گردن ننهاد، به مدت ۱۹ سال در این زندان حبس بود تا اینکه بعد از مرگ پدر، آزاد شد و به قدرت رسید. باید گفت که هیچ‌یک از شاهان صفوی، به اندازه شاه طهماسب از این قلعه استفاده نکرده است. او فردی مستبد بود و هیچ‌گونه مخالفت را تحمل نمی‌کرد و افراد را به کوچک‌ترین بهانه به این قلعه مخوف می‌فرستاد.

خان احمد خان امیر گیلان از دیگر زندانیان دژ بود که بر اثر شورش دستگیر و در این زندان نگهداری می‌شد. مراد پاشا و احمد پاشا که دو نفر از سرداران نظامی عثمانی بودند هم از زندانیان دیگر این قلعه بودند.

این افراد، تنها برخی مردانی بودند که در این زندان محبوس بودند و دیوارهای این زندان ترسناک، فریادها و اندوه بسیاری انسان دیگر را نیز به خود دیده است.

از آخرین اتفاقاتی که در این زندان افتاد این بود که در زمان سلطنت شاه عباس صفوی، زندانیان نگهبان را کشته و زندان را به تصرف خود درآوردند که رهبری آن‌ها را مصطفی پاشا و احمد پاشا و کورحسن به عهده داشتند و دو ماه زندان در تصرف آنها بود تا اینکه به آنها اعلام عفو شد.

اگر روزی به سفر رفتید و خواستید این دژ را از نزدیک ببینید، بهتر است در فصل بهار به آنجا بروید که نه سوز و سرمای زمستان سرد منطقه آزارتان بدهد و نه گرمای سوزان آفتاب تابستان.

منبع:

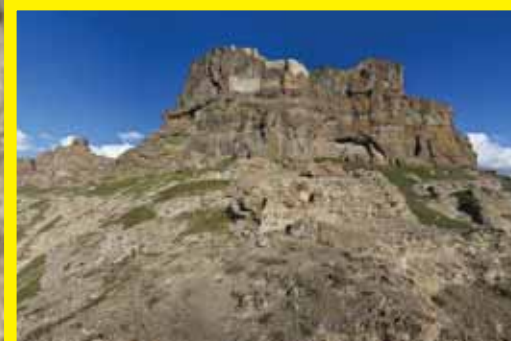
دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ایران.

عباسقلی غفاری فرد و عبدالحسین نوایی. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه. ۱۳۸۱

www.ardebilnews.com

www.tripyyar.com

www.iranview.com



فرم اشتراک مجلات شاهد

شاهد یاران	شاهد جوان	شاهد کودک	شاهد نوجوان
			
اشتراک شش ماهه ۳۰۰/۰۰۰ ریال اشتراک یک ساله ۶۰۰/۰۰۰ ریال	اشتراک شش ماهه ۳۰۰/۰۰۰ ریال اشتراک یک ساله ۳۰۰/۰۰۰ ریال	اشتراک شش ماهه ۱۳۲/۰۰۰ ریال اشتراک یک ساله ۲۶۴/۰۰۰ ریال	اشتراک شش ماهه ۱۵۰/۰۰۰ ریال اشتراک یک ساله ۳۰۰/۰۰۰ ریال



نام و نام خانوادگی: تاریخ تولد:

تلفن ثابت: تلفن همراه:

نشانی الکترونیک:

کد پستی: نشانی کامل پستی:

مبلغ واریزی: (ریال) شماره فیش بانکی:

تاریخ واریز:

☐ اشتراک شش ماهه  ☐ اشتراک شش ماهه  ☐ اشتراک شش ماهه ☐ اشتراک یکساله  ☐ اشتراک شش ماهه ☐ اشتراک یکساله 

شماره حساب سیبیا: ۰۴۴۷۳۰۸۵۰۰۴ نزد بانک ملی
به نام معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران

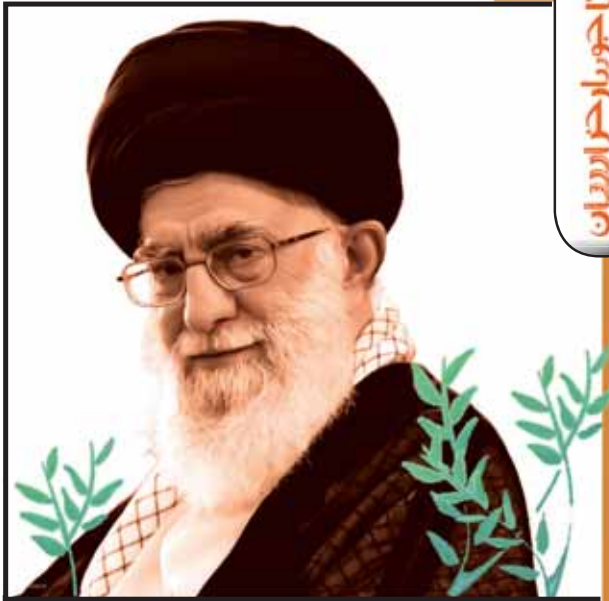
امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۲۳۵۸۴ دورنگار ۰۲۱-۸۸۸۲۸۴۳۵
نشانی: تهران- خیابان آیت الله طالقانی- خیابان ملک الشعراء بهار- شماره ۵- معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران- طبقه ۳- اداره مجلا شاهد

بادانش خود را مجز کنید

من توصیه می‌کنم به همه شما جوانان عزیز که درس خواندن را جدی بگیرید. توصیه دیگر من این است، ورزش و سلامت جسمانی را هم جدی بگیرید؛ امروز جوان‌های ما بایستی، هم سلامت جسمی، و هم سلامت معنوی، و هم سلامت فکری را با هم داشته باشند و برای خودشان نگه دارند. سلامت جسمی را با ورزش و با تغذیه مناسب؛ سلامت معنوی و قلبی را هم با توجه به خدا، با نماز، با دعا، با توسل، با یاد شهدا؛ سلامت فکری را هم با کتابخوانی تأمین کنید؛ از کتاب‌های خوب، راه‌گشا، راهنما - که از سوی متفکران و نویسندگان خوب ما تهیه شده و در اختیار ما گذاشته شده - استفاده کنید و بخوانید. این موجب می‌شود که نسل نوجوان ما، هم سلامت جسمی داشته باشد، هم سلامت معنوی و روحی داشته باشد، هم سلامت فکری و عقلانی داشته باشد؛ آن‌وقت این، آینده کشور را تأمین می‌کند.

عزیزان من! امروز شما از دوران کودکی و بچه‌بودن خارج شدید؛ امروز شما نوجوانید، در آغاز جوانی هستید، در حال شکوفایی هستید؛ استعداد شما امروز برای فراگیری و برای خودسازی خیلی زیاد است؛ از این فرصت استفاده کنید، خودسازی کنید؛ هم خودسازی جسمی، هم خودسازی معنوی و روحی، هم خودسازی فکری، با همان ترتیبی که عرض کردم. بعد از آنکه شما نوجوانان عزیز در این میدان با عظمت و در این بهار با طراوت نوجوانی، حرکت درست را انجام دادید، آن‌وقت انسان می‌تواند مطمئن باشد که فردای این کشور، فردایی بهتر از امروز است؛ شما مردان فردا، مدیران فردا، فعالان فردا، و شخصیت‌های فردا هستید. فردای این کشور متعلق به شما نوجوانان است؛ شماها هستید که این کشور و این ملت را و این حرکت را و این تاریخ را اداره خواهید کرد؛ خودتان را برای آن روز آماده کنید.

www.khamenei.ir





یلدا مبارک

